

## Dating the Traditions about the Prophet's Mistake in Prayer and Analysis the Social-Political Situation of Fabricating and Spreading these Traditions

Marjan Shiri MohammadAbadi \*  
Nosrat Nilsaz \*\*

Received: 30/05/2023  
Accepted: 13/01/2024

### Abstract

In the narrative sources, both sunnis and shiis, there are narrations about the Prophet's mistake in prayer. These traditions have been transmitted with different matns and Isnads. Most of the shia scholars citing several reasons have considered these traditions fabricated. In this article, using two methods of dating hadiths (Isnad analysis, Isnad-matn analysis) the historical and geographical origins of these traditions have been determined then in the second step using the conclusions of the first step, social-political situation of fabricating and spreading these traditions have been analysed. The findings show that these narrations were initially forged by Abū Huraira and published in Medina to justify the caliphs' mistakes in the prayer. Then some intentional or unintentional changes have been made by some of the transmitters of the next generations. It is worth noting that in the Ibn Sirin's recension it is emphasized that the two first caliphs witnessed the incident. The aim of this emphasize might be making some virtues for the two first caliphs. In the narrations attributed to Ibn Mas'ud, with the fabricated isnads the Prophet's mistake has been justified by the emphasize on this issue that the prophet is one of humankind. The aim of this recension could be responding to the prevelant belief among Shia in Kufa that the prophet is immune from any mistake.

**Keywords:** *Prophet's mistake in prayer, dating traditions, Isnad analysis, Isnad-matn analysis, the social-political situation of fabricating these traditions.*

---

\* PhD in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [Majan.shiri@modares.ac.ir](mailto:Majan.shiri@modares.ac.ir)

\*\* Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Responsible Author) [Nilsaz@modares.ac.ir](mailto:Nilsaz@modares.ac.ir)



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۴

بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۹۱-۵۳

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2024.244598.3780

## تاریخ گذاری روایات سهو پیامبر(ص) در نماز و تحلیل شرایط اجتماعی - سیاسی جعل و نشر این روایات

مرجان شیری محمدآبادی\*

نصرت نیلساز\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

### چکیده

در منابع روایی فریقین، روایاتی درباره سهو پیامبر (ص) در نماز با طرق متعدد و متون مختلف آمده است. بسیاری از عالمان شیعه با استناد به ادله مختلف این روایت را جعلی دانسته‌اند. در این پژوهش در گام اول با استفاده از دو روش تحلیل اسناد و تحلیل اسناد\_متن در تاریخ گذاری روایات خاستگاه تاریخی و جغرافیایی و سیر تطور این روایات تبیین و سپس با بهره گیری از نتایج گام نخست شرایط اجتماعی\_سیاسی جعل و نشر این روایات تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که این روایت در ابتدا توسط ابوهریره برای توجیه اشتباهات خلفا در نماز جعل و در مدینه منتشر شده است. تحلیل اسناد\_متن نشان می‌دهد که برخی راویان طبقات بعد تغییراتی عامدانه یا غیرعامدانه در آن ایجاد کرده‌اند. برای نمونه می‌توان اشاره کرد که در تحریرهای ابن سیرین به طور خاص بر حضور دو خلیفه اول در میان شاهدان سهو نبی تأکید شده است. در روایاتی هم که با اسناد ساختگی به ابن مسعود نسبت داده شده سهو نبی با تأکید بر بشر بودن پیامبر توجیه شده است که می‌توان هدف آن را پاسخ گویی به عقیده غالب شیعیان در کوفه، یعنی عدم جواز سهو نبی، دانست.

### واژگان کلیدی

سهو پیامبر(ص) در نماز، تاریخ گذاری، تحلیل اسناد، تحلیل اسناد\_متن، شرایط سیاسی\_اجتماعی جعل روایت.

\* دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

[Majan.shiri@modares.ac.ir](mailto:Majan.shiri@modares.ac.ir)

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[Nilsaz@modares.ac.ir](mailto:Nilsaz@modares.ac.ir)

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

### طرح مسئله

دسته روایاتی درباره سهُو نبی در نماز در منابع روایی فریقین آمده است. مضمون مشترک این روایات چنین است: در یکی از نمازهای واجب که به امامت پیامبر(ص) برگزار می‌شد، رسول‌الله(ص) دچار سهُو شدند و نماز را در رکعت اول، دوم، سوم و یا پنجم تمام کردند در حالی که خود متوجه این موضوع نبودند، سپس با تذکر فرد یا افرادی به اشتباه خود پی بردند و رکعات ترک شده را اداء کردند.

این روایات در منابع ۳ قرن اول اسلامی با ۱۳۱ متن و ۲۱۱ سند از امام علی(ع) و ۶ صحابی: ابن مسعود (م ۳۲)، عمران بن حُصَین (م ۵۲)، معاویة بن حُدیج (م ۵۲)، ابوهیره (م ۵۹)، ابن عمر (م ۷۴) و انس بن مالک (م ۹۰-۹۳) و ۱۱ تابعی: علقمة بن قیس (م ۶۱-۷۳)، عبید بن عمیر (م ۶۸)، ابوبکر بن عبدالرحمن (م ۹۳-۹۴)، عبیدالله بن عبدالله (م ۹۴-۹۹)، ابوسلمة بن عبدالرحمن (م ۹۴-۱۰۴)، طاووس بن کیسان (م ۱۰۱-۱۱۰)، عکرمة (م ۱۰۴-۱۰۷)، حسن بصری (م ۱۱۰)، عطاء بن ابی رباح (م ۱۱۴-۱۱۷)، مُطیر بن سلیم (م نامعلوم) و ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه (م نامعلوم) نقل شده‌اند.

این دسته روایات از جنبه‌های مختلفی تفاوت دارند از جمله: در برخی نمازی که در آن سهُو رخ داده نماز صبح، در برخی نماز ظهر، در برخی نماز عصر ذکر شده و در برخی دیگر نماز تعیین نشده است؛ در برخی روایات رکعات خوانده شده یک رکعت، در برخی ۲ رکعت و در برخی ۵ رکعت آمده است؛ در بعضی از روایات آمده که پیامبر بلافاصله بعد از نماز مسجد را ترک کردند اما در شماری دیگر آمده که در مسجد ماندند؛ در برخی گفته شده پیامبر پس از تذکر مردم بی‌هیچ پرسشی اشتباه خود را پذیرفتند و در شماری آمده که ابتدا انکار و بعد از پرسش از حاضران قبول کردند.

بسیاری از عالمان شیعه این دسته روایات را به دلیل تعارض با عقل، قرآن، روایات صحیح و غیره جعلی دانسته‌اند(نک: مفید، بی تا، صص ۱۷-۳۲؛ شرف‌الدین، بی تا، صص ۸۶-۹۱؛ عاملی، ۱۳۸۵، ج ۶، صص ۱۰۹-۱۲۳). این مقاله ضمن پذیرش جعلی بودن این روایات در دو بخش تنظیم شده است: ابتدا روایات با استفاده از دو روش تحلیل اسناد و تحلیل اسناد\_متن، تاریخ‌گذاری شده است (برای اطلاعات بیشتر درباره خاستگاه و هدف روش‌های تاریخ‌گذاری نک: شیری و نیلساز، ۱۴۰۱، ص ۱۴۸). سپس با بهره‌گیری از نتایج گام نخست، شرایط



اجتماعی\_سیاسی نشر این روایات، جاعل یا جاعلان و انگیزه آنها از این جعل و افراد مسئول ایجاد تغییر در متن و سیر تطور تحریرهای مختلف روایات سهو نبی (ص) تبیین شده است.

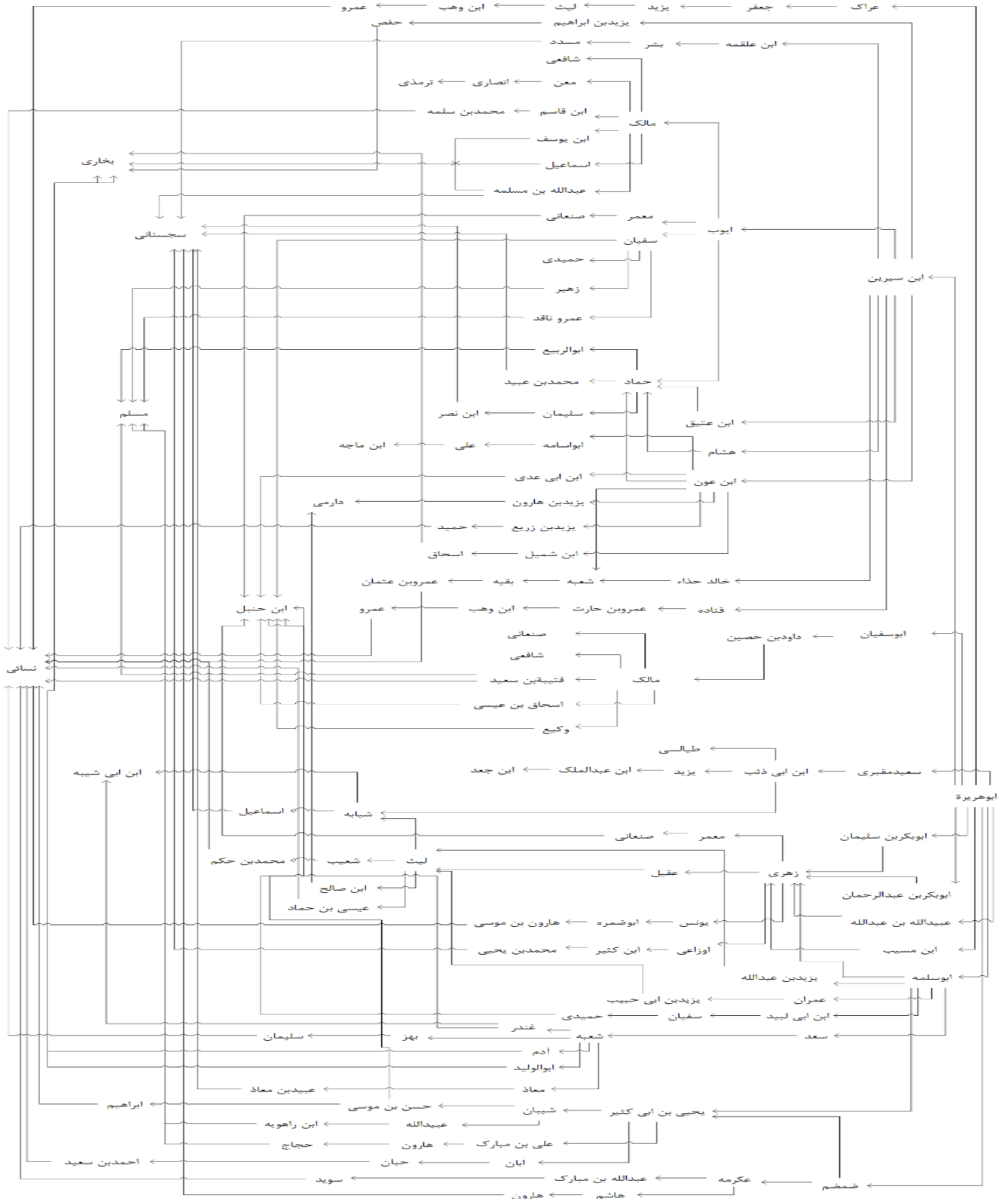
### ۱. تاریخ‌گذاری روایات سهو پیامبر (ص) در نماز

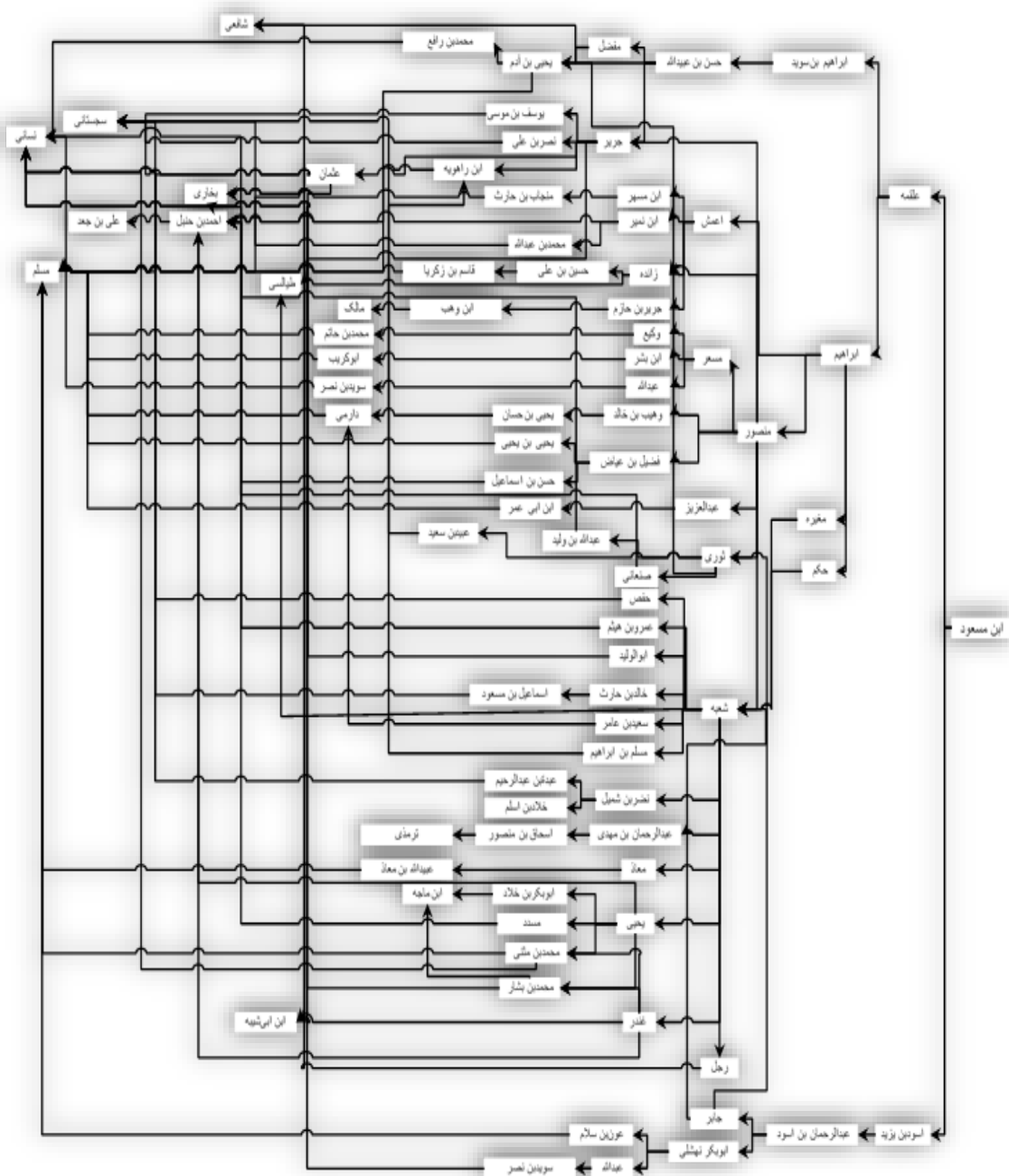
در این بخش روایات سهو پیامبر (ص) ابتدا بر اساس روش تحلیل اسناد و سپس بر اساس روش تحلیل اسناد\_متن تاریخ‌گذاری می‌شوند. در روش تحلیل اسناد، تمامی اسناد این روایات جمع‌آوری و در نموداری رسم می‌شود تا حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی مشخص شود، سپس رابطه راویان با یکدیگر بررسی می‌شود. در روش تحلیل اسناد\_متن، علاوه بر اسناد روایات، متون آنها هم بررسی می‌شود و چگونگی رابطه متون و اسناد با یکدیگر سنجیده می‌شود.

#### ۱-۱. تاریخ‌گذاری براساس تحلیل اسناد

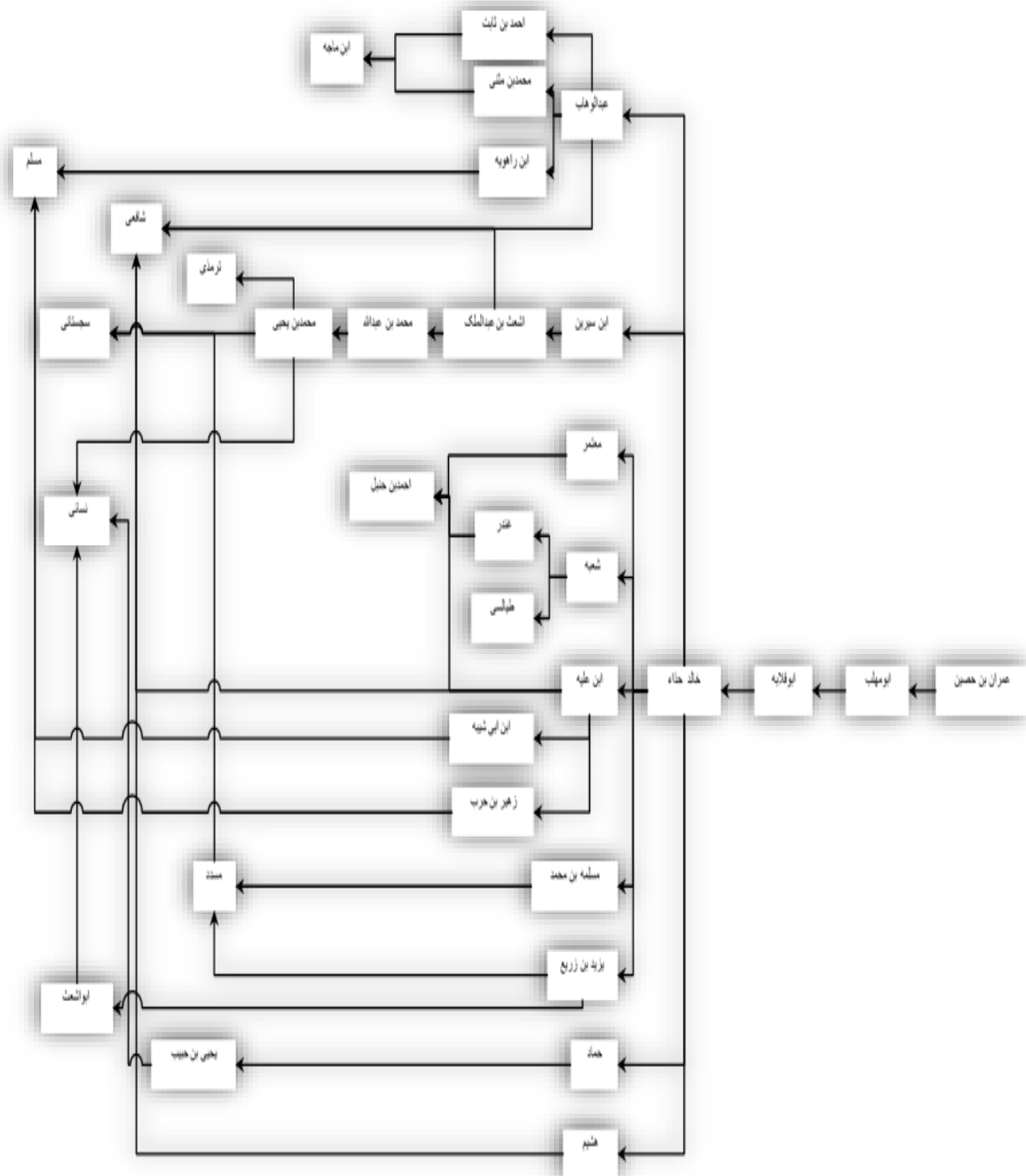
شاخه و پس از او ینبل، راوی را که پس از او سلسله سندها به شاخه‌های متعدد منشعب می‌شوند، «حلقه مشترک» نامیده‌اند و او را جاعل متن حدیث و قسمت پایانی سند که او را به کهن‌ترین مرجع متصل می‌کند، می‌دانند. اما در مقابل آنها، افرادی چون شولر و موتسکی حلقه مشترک را نه لزوماً جاعل حدیث، بلکه اولین نشردهنده نظام‌مند حدیث دانسته‌اند (نک. موتسکی، ۱۳۹۴، صص ۳۳۴-۳۳۹). به‌منظور تاریخ‌گذاری احادیث سهو نبی، بر اساس روش تحلیل سندی و حلقه مشترک (از این پس CL)، نمودار طرقي که CL دارند ترسیم و CLهای این روایات، به‌صورت مجزا تحلیل می‌شود. براساس نمودار، دو CL در طبقه صحابه (ابن‌مسعود و ابوهریره)، دو CL در طبقه تابعین و سه CL در طبقه چهارم قرار دارند.

نمودار شماره ۱:

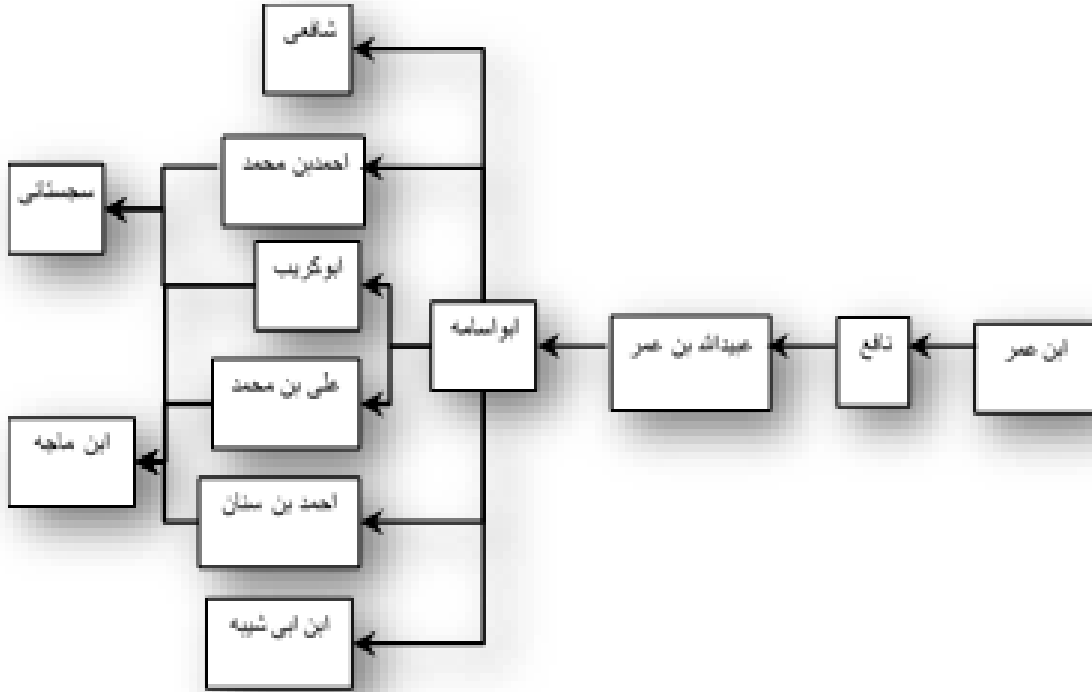




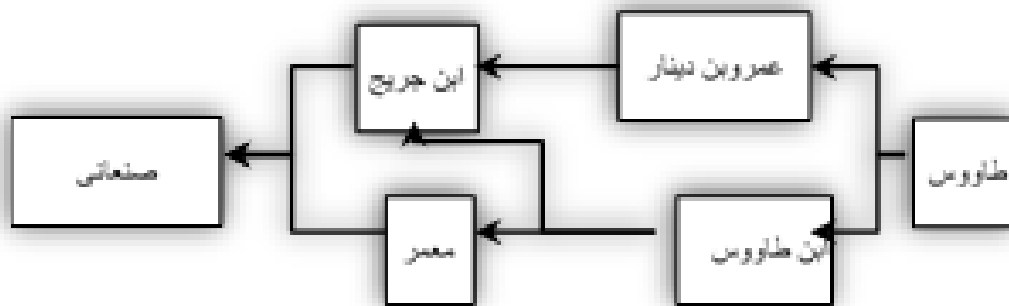
نمودار شماره ۲:



نمودار شماره ۳:

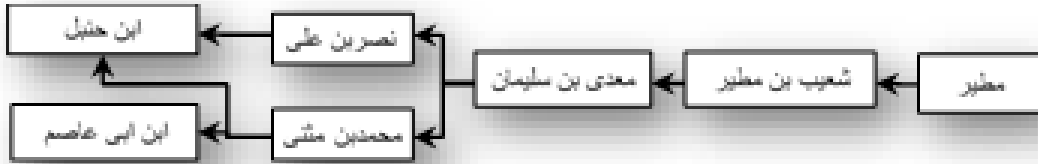


نمودار شماره ۴:

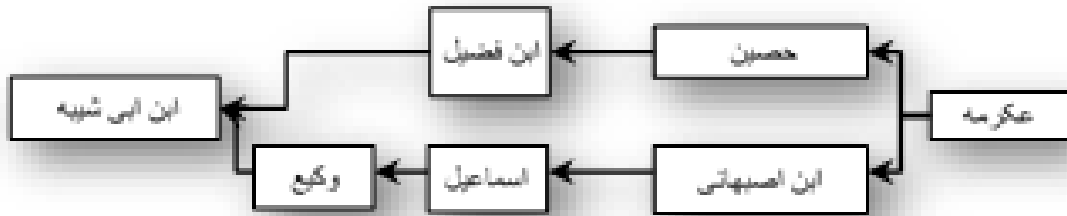


نمودار شماره ۵:

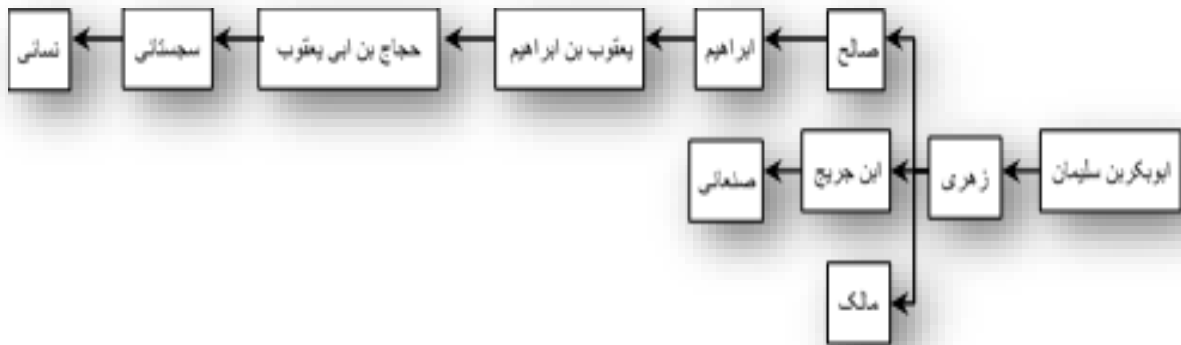




نمودار شماره ۶:



نمودار شماره ۷:



نمودار شماره ۸:



### ۱-۱-۱. حلقه‌های مشترک در طبقه صحابه

ابن مسعود: ۴۱ متن با ۶۳ سند این روایت از عبدالله بن مسعود (م ۳۲) نقل شده است. راویان وی، علقمه بن قیس (م ۶۱-۷۳)، اسود بن یزید (م ۷۴-۷۵) و ابراهیم نخعی (م ۹۶) هستند، بنابراین، ابن مسعود با ۳ راوی، CL است. با بررسی دقیق‌تر این اسناد، متوجه می‌شویم که تنها ۲ نفر اول راوی ابن مسعود هستند و ابراهیم نخعی از وی نقل نکرده و سند منقول از وی که تنها در مسند طیالسی آمده است، افتادگی دارد. زیرا ابراهیم راوی ابن مسعود نیست (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۳۴) و در سند این تحریر در منابع دیگر، ابراهیم از علقمه نقل کرده است نه ابن مسعود (نک. شافعی ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۴؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۴۴).

با این حال، ابن مسعود با داشتن دو راوی، CL است و در نتیجه، بر اساس تاریخ وفات ابن مسعود، تحریر وی قبل از سال ۳۲ وجود داشته است. ۳ طبقه اول راویان این روایت، کوفی‌اند، لذا روایت تا پایان قرن اول و اوایل قرن دوم تنها در کوفه نقل می‌شده، در ربع اول قرن دوم این تحریر توسط راویان طبقه چهارم بعد از ابن مسعود به بصره، مکه و ری منتقل شده و به صورت گسترده نشر یافته است. مهم‌ترین نقش در انتشار این تحریرها را شُعْبَةُ بْنُ حَجَّاجٍ (م ۱۶۰) ایفاء کرده، وی تحریر ابن مسعود را از ۴ راوی اخذ کرده و ۱۲ نفر از وی نقل کرده‌اند، بنابراین، شعبه یکی از مهم‌ترین حلقه‌های مشترک فرعی<sup>۱</sup> (از این پس pcl) این تحریرها است.

**ابوهریره:** بیشترین تحریرهای این روایت، یعنی ۵۱ متن و ۷۳ سند، از ابوهریره (م ۵۹) نقل شده است. ۱۰ راوی، از وی نقل کرده‌اند که عبارتند از: ۱. سعید بن مسیب مدنی (م ۹۳-۹۴)؛ ۲. ابوبکر بن عبدالرحمن مدنی (م ۹۳-۹۴)؛ ۳. عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه بن مسعود مدنی (م ۹۴-۹۹)؛ ۴. ابوسلمه بن عبدالرحمن بن عوف مدنی (م ۹۴-۱۰۴)؛ ۵. عراق بن مالک مدنی (م ۱۰۱-۱۰۵)؛ ۶. محمد بن سیرین؛ ۷. سعید بن ابی سعید مقبری مدنی (م ۱۱۷-۱۲۶)؛ ۸. ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه مدنی (متوفی نامعلوم)؛ ۹. ابوسفیان مولى عبدالله بن ابی احمد قرشی (متوفی نامعلوم)؛ ۱۰. ضَمَمُ بْنُ جَوْسَیْمِی (متوفی نامعلوم)، که در مدینه از ابوهریره سماع حدیث داشت (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، صص ۳۲۳-۳۲۷). از نظر مکانی و مکانی، همگی آنها امکان اخذ حدیث از ابوهریره را داشتند.

در نتیجه، ابوهریره با داشتن ۱۰ راوی، CL است و تحریر وی حداقل قبل از سال ۵۹ هجری (براساس تاریخ وفات ابوهریره) و با توجه به راویان وی که همگی مدنی‌اند، در مدینه نشر یافته است. این تحریر توسط دو نسل بعد، یعنی راویان شاگردان ابوهریره در اوایل قرن دوم به مکه، بصره، یمن، شام، اسکندریه و واسط منتقل شده، سپس توسط طبقات بعدی در سایر مناطق اسلامی نشر یافته است. ابن سیرین این روایت را به صورت گسترده در بصره نشر داده است. اما مهم‌ترین نقش در انتشار این تحریر را، دو طبقه بعد از ابوهریره، زهری و ابن عوف ایفاء کرده‌اند، چرا که علاوه بر این که راویان زیادی از آن دو نقل کردند، این راویان از مناطق مختلف بودند، بنابراین، روایت را در مناطق مختلفی نقل کردند.

### ۱-۱-۲. حلقه‌های مشترک در طبقه تابعین

**طاووس:** از طاووس بن کیسان یمنی (م ۱۰۱-۱۱۰)، دو متن و ۳ سند این روایت نقل شده است. راویان وی دو تن هستند: عمرو بن دینار مکی (م ۱۲۵-۱۲۶) و پسر طاووس، عبدالله بن طاووس (م ۱۳۲). بنابراین، روایت وی حداقل در پایان قرن اول در یمن و مکه وجود داشته است.

**عکرمه:** از عکرمه (م ۱۰۴ تا ۱۰۷)، مولی ابن عباس، دو متن و سند نقل شده و راویان وی، عبدالرحمن بن اصبهانی (م ۱۰۶-۱۲۰) و حُصَین بن عبدالرحمن (م ۱۳۶) هستند. با توجه به CL بودن عکرمه، این تحریر حداقل در پایان قرن اول موجود بوده است.

### ۱-۱-۳. حلقه‌های مشترک در طبقه چهارم

**خالد حذاء:** در طبقه چهارم، خالد حذاء بصری (م ۱۴۱-۱۴۲) با ۲ واسطه از عمران بن حصین صحابی (م ۵۲) روایت کرده و ۱۹ متن و ۲۰ سند را نقل کرده است. راویان خالد ۹ نفرند:

۱. محمد بن سیرین (م ۱۱۰) بصری، تابعی، وی از اساتید خالد حذاء است که از شاگرد خود هم، روایت کرده است (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۵، ص ۳۴۴-۳۵۵)؛
۲. شعبه بن حجاج؛
۳. ح. مآد بن زید بصری (م ۱۷۹)؛
۴. یزید بن زریع بصری (م ۱۸۲-۱۸۳)؛
۵. هُشَیم بن بشیر (م ۱۸۳) واسطی، ساکن بغداد، به مناطق مختلفی از جمله: مکه، بصره، کوفه سفر علمی داشت (مزی، ج ۳۰، ص ۲۷۲-۲۸۸)؛
۶. مُعتمِر بن سلیمان بصری (م ۱۸۷)؛
۷. اسماعیل بن ابراهیم، ابن عُلَیّه بصری (م ۱۹۳)؛
۸. عبدالوهاب بن عبدالحمید بصری (م ۱۹۴)؛
۹. مسلمة بن محمد بصری (متوفی نامعلوم). تمام راویان خالد، امکان اخذ حدیث از وی را داشته‌اند. بنابراین، حداقل در نیمه اول قرن دوم در بصره تحریری از عمران به نقل از خالد حذاء روایت می‌شده است.



**حماد بن أسامة:** حماد بن اسامه کوفی (م ۲۰۱)، با ۲ واسطه از عبدالله بن عمر روایت کرده و ۴ متن با ۵ سند از او نقل شده است. راویان حماد عبارتند از: شافعی؛ علی بن محمد طنافسی کوفی (م ۲۳۳)؛ ابوبکر بن ابی شیبه؛ احمد بن محمد مروزی (م ۲۲۹-۲۳۰)؛ ابوگریب محمد بن علاء کوفی (م ۲۴۸)؛ احمد بن سنان واسطی (م ۲۵۶-۲۵۹). بنابراین، تحریری منسوب به ابن عمر حداقل در پایان قرن ۲ در کوفه وجود داشته است.

**معدی بن سلیمان:** معدی (م نامعلوم) روایت را با واسطه شعیب بن مطیر (مجهول) از مطیر بن سلیم تابعی (م نامعلوم) روایت کرده است و دو راوی دارد: نصر بن علی (م ۲۵۰-۲۵۱) و محمد بن مثنی (م ۲۵۲). نصر راوی تحریر ابن مسعود هم است و محمد، هم راوی تحریر ابن مسعود و هم عمران بن حصین است. با توجه به نامعلوم بودن تاریخ وفات معدی بن سلیمان، حلقه مشترک این تحریر و براساس تاریخ وفات راویان وی، این تحریر حداقل در نیمه اول قرن سوم وجود داشته است.

نتیجه نهایی بحث اینکه اولاً؛ از بین ۷ صحابی راوی این روایت، تنها دو نفر، ابن مسعود و ابوهریره، CL هستند. بنابراین، روایت ابن مسعود قبل از سال ۳۲ در کوفه و روایت ابوهریره قبل از سال ۵۹ در مدینه نشر یافته است. ثانیاً؛ طرق تحریرهای منسوب به ۲ صحابی دیگر، عمران بن حصین و ابن عمر، در چهار طبقه اول منفرد است، بنابراین، انتساب این تحریرها به آنها تردیدآمیز است. اما از آنجا که در طبقه پنجم این طرق منشعب می‌شوند، حداقل اطمینان می‌یابیم که تحریر عمران، قبل از سال ۱۴۱ در بصره و تحریر ابن عمر قبل از پایان قرن دوم در کوفه وجود داشته است.

ثالثاً؛ دو تابعی، طاووس و عکرمه، CL هستند، لذا روایت آنها در آغاز قرن دوم وجود داشته است. رابعاً؛ با توجه به این که تحریر منقول از مطیر بن سلیم، در ۳ طبقه اول با سند منفرد ذکر شده و تاریخ وفات معدی بن سلیمان CL این تحریر مشخص نیست، تنها می‌توان اطمینان یافت که این تحریر در نیمه اول قرن دوم در بصره وجود داشته است.

## ۲-۱. تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل اسناد\_متن

تحلیل اسناد\_متن پنج مرحله دارد: ۱. همه تحریرهای مختلف یک روایت گردآوری می‌شود. ۲. شبکه‌ای از اختلاف‌های سندی در قالب نمودار رسم می‌شود تا فرایند نقل به خوبی مستند و CLها و PCLها مشخص شود، CL عجزاً گردآورنده یا نشردهنده روایت در نظر گرفته

می‌شود. ۳. با تحلیل متنی و هم‌چنین استفاده از مطالب منابع رجالی مشخص می‌شود که CL واقعاً گردآورنده یا نشردهنده روایت بوده یا نه؟ ۴. گروه‌های اختلافات متنی با اختلافات سندی مقایسه می‌شود تا معلوم گردد میان آنها همبستگی وجود دارد یا نه؟ ۵. در صورت وجود همبستگی می‌توان درباره متن اصلی که CL نقل کرده و مسئول تغییرات ایجاد شده در جریان نقل پس از CL، به نتیجه رسید (Motzki, 2001, p.30).

مقدمه روش تحلیل اسناد\_متن، تحلیل دقیق محتوای تحریرهای مختلف است. این امر می‌تواند به شناسایی کوچک‌ترین تغییرات در متن روایت کمک کند و به همراه بررسی‌های سندی مسئول این دست تغییرات در متن روایت را هم تعیین کند. برای نیل به این هدف ناگزیر باید متن روایت در چند سطح (مقوله، زیرمقوله، کدها) تقسیم‌بندی شود تا هیچ تغییری از نظر دور نماند. بدین جهت در این بخش، ابتدا متون تحریرهای مختلف این روایت بررسی شده و با مقوله‌بندی، تعیین زیرمقوله‌ها و کدگذاری، اطلاعات در جدولی ارائه می‌شود. سپس براساس این اطلاعات، تحریرهای حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی شناسایی و عواملان تغییرات تحریرها شناسایی می‌شوند.

## ۲-۱-۱. تحلیل متن تحریرهای مختلف روایات سهو نبی (ص)

به منظور تحلیل محتوای روایات سهو نبی، ابتدا مقوله‌های این روایات و سپس زیرمقوله‌ها و کدهای آنها تعیین، شناسه زیرمقوله‌ها با یک حرف لاتین و کدهای این زیرمقوله‌ها با افزودن توان به همان حرف مشخص و در جدول‌هایی ارائه می‌شود (برای اطلاعات بیشتر نک: اتسلندر، ۱۳۷۱، ص ۶۷؛ هولستی، ۱۳۷۳، ص ۲۸؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). بررسی این روایات نشان می‌دهد که در روایات مذکور، سه مقوله یا به عبارت دیگر، سه موضوع اصلی وجود دارد، که هرکدام شامل چندین زیرمقوله (موضوع فرعی) است، این زیرمقوله‌ها هم حاوی کدهای خاصی (موضوعات فرعی‌تر) هستند:

### ۲-۱-۱-۱. مقوله اول

اصل ماجرا با زیرمقوله‌های:

الف) نوع نماز = A، با کدهای: نماز ظهر = <sup>۱</sup>A، نماز عصر = <sup>۲</sup>A، احتمالاً نماز عصر = <sup>۳</sup>A، نماز ظهر یا عصر = <sup>۴</sup>A، نماز صبح = <sup>۵</sup>A، نماز ۴ رکعتی = <sup>۶</sup>A، نماز فریضه = <sup>۷</sup>A.



ب) اشکال نماز = B، با کدهای: ۲ رکعت خواندن نماز ۴ رکعتی = B<sup>۱</sup>، ۳ رکعت خواندن نماز ۴ رکعتی = B<sup>۲</sup>، ۵ رکعت خواندن نماز ۴ رکعتی = B<sup>۳</sup>، یک رکعت خواندن نماز صبح = B<sup>۴</sup>، افزودن یا نقصان نماز = B<sup>۵</sup>، تعبیر مبهم سهو یا وهم در نماز = B<sup>۶</sup>، ترک یک رکعت نماز = B<sup>۷</sup>، ۲ رکعت خواندن نماز ۳ یا ۴ رکعتی = B<sup>۸</sup>.

ج) رفتار پیامبر (ص) بعد از نماز = C، با کدهای: برگشتن از جهت قبله = C<sup>۱</sup>، رفتن به حجره = C<sup>۲</sup>، غضبناک به ستون مسجد تکیه زدن = C<sup>۳</sup>، به ستون مسجد تکیه زدن یا دست نهادن = C<sup>۴</sup>، خروج از مسجد = C<sup>۵</sup>، برخاستن و بیرون رفتن از مسجد، در حالی که ابوبکر و عمر به دنبال ایشان بودند = C<sup>۶</sup>، نهادن دست‌ها بر روی یکدیگر و فرو بردن انگشتان در هم = C<sup>۷</sup>.

د) رفتار مردم بعد از نماز = D، با کدهای: خروج سریع از مسجد = D<sup>۱</sup>، پیروی عده‌ای از پیامبر در خروج از مسجد = D<sup>۲</sup>، ایجاد همهمه در مردم به سبب اشکال در نماز = D<sup>۳</sup>، خودداری ابوبکر و عمر از تذکر اشکال نماز به پیامبر به سبب ترس از ابهت آن حضرت = D<sup>۴</sup>، تذکر فرد یا افرادی به پیامبر به صورت حضوری = D<sup>۵</sup>، تذکر فردی به پیامبر با ندا دادن از پشت دیوار = D<sup>۶</sup>.

### ۲-۱-۱-۲. مقوله دوم

واکنش نمازگزاران با زیرمقوله‌های:

الف) کیستی تذکر دهنده = E، با کدهای: ذوالشمالین = E<sup>۱</sup>، ذوالیدین = E<sup>۲</sup>، فردی که پیامبر، وی را ذوالیدین می‌خواند = E<sup>۳</sup>، مردی دراز دست = E<sup>۴</sup>، مردی از بنی زهره = E<sup>۵</sup>، خرباق = E<sup>۶</sup>، ابن خرباق = E<sup>۷</sup>، مردی از بنی سلیم = E<sup>۸</sup>، طلحه بن عبیدالله = E<sup>۹</sup>، فرد یا افرادی = E<sup>۱۰</sup>.

ب) چیستی سؤال = F، با کدهای: آیا تغییری در حکم نماز رخ داده؟ = F<sup>۱</sup>، آیا نماز قصر شده یا فراموش کردی؟ = F<sup>۲</sup>، آیا فراموش کردی؟ = F<sup>۳</sup>، نماز قصر شده؟ = F<sup>۴</sup>، آیا به نماز افزوده شده است؟ = F<sup>۵</sup>.

ج) پاسخ تذکردهنده یا تذکردهندگان به پیامبر (ص) = G، با کدهای: قطعاً قصر یا فراموش کرده‌اید = G<sup>۱</sup>، قطعاً تنها ۲ رکعت خواندید = G<sup>۲</sup>، قطعاً فراموش کردید = G<sup>۳</sup>.

### ۳-۱-۱-۲. مقوله سوم

واکنش پیامبر (ص) نسبت به این تذکر با زیرمقوله‌های:

**الف) سؤال در این باره =H**، با کدهای: پرسش از مردم: آیا (این فرد) راست می‌گوید؟  $H=$ ، پرسش از مردم: چه شده است؟  $H=$ ، سؤال از ذوالیدین: آیا مردم درست می‌گویند؟  $H=$ ، سؤال از ابوبکر و عمر: آیا ذوالیدین راست می‌گوید؟  $H=$ ، گردش در صفوف نمازگزاران همراه با ذوالشمالین و سؤال از آنها دربارهٔ صحت خبر وی  $H=$ ، خروج خشمگینانه پیامبر از حجره در حالی که ردائش بر زمین کشیده می‌شد، سپس سؤال از مردم دربارهٔ درستی خبر تذکردهنده  $H=$ .

**ب) چگونگی پذیرش این تذکر =K**، با کدهای: پذیرش بلافاصله بعد از تذکر  $K=$ ، انکار اشکال نماز در ابتدا و پذیرش بعد از تحقیق  $K=$ ، نفی نسیان از خویش و نفی قصر نماز در ابتدا و پذیرش بعد از تحقیق  $K=$ ، پذیرش بعد از تحقیق  $K=$ .

**ج) اصلاح نماز =L**، با کدهای: ادای رکعت یا رکعت‌های ترک‌شده  $L=$ ، ادای ۲ سجده  $L=$ ، ادای ۲ سجده سهو  $L=$ ، ادای ۲ سجده، تشهد و سلام  $L=$ ، ادای ۲ سجده و سلام  $L=$ ، ادای ۲ سجده سهو و سلام  $L=$ ، ادای سجده  $L=$ ، ادای سجده و سلام  $L=$ ، ذکر ۲ بار (حی علی الفلاح) و یک بار (قد قامت الصلوة)، سپس ادای رکعت یا رکعت‌های ترک‌شده  $L=$ ، به بلال امر فرمودند که اقامه بگویند، سپس ادای رکعت یا رکعت‌های ترک‌شده  $L=$ .

**د) بیان حکم =M**، با کدهای: اعلام وجوب ۲ سجده بعد از افزودن به نماز  $M=$ ، هر کس در نمازش شک کرد، اصلاح کند و ۲ سجده بجا آورد  $M=$ ، هر که گمان کرد که به نماز افزوده یا از آن کاسته است، ۲ سجده بجا آورد  $M=$ ، هر که به نمازش افزود یا از آن کاست، ۲ سجده بجا آورد  $M=$ ، هر کس در نماز فراموش کرد، باید ۲ سجده کند  $M=$ ، هر کس در نماز فراموش کرد، اصلاح و ۲ سجده کند  $M=$ ، هر کس در نماز فراموش کرد، اصلاح و ۲ سجده سهو کند  $M=$ .

**ه) تعلیل این اتفاق در بیان پیامبر (ص) =N**، با کدهای: قبل از سجده سهو گفتند: اگر حدثی در نماز رخ دهد، خبر می‌دهم، بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم، تذکر می‌دهم  $N=$ ، بعد از ادای سجده سهو فرمودند: اگر حدثی در نماز رخ دهد، خبر می‌دهم، بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم، تذکر می‌دهم  $N=$ ، قبل از ادای سجده سهو فرمودند: بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم و متذکر می‌شوم  $N=$ ، قبل از ادای سجده سهو فرمودند: بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم  $N=$ ، بعد از ادای سجده سهو فرمودند: بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم  $N=$ ، بعد از ادای سجده سهو فرمودند: اگر حدثی در نماز رخ دهد، خبر می‌دهم، بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم  $N=$ .

جدول شماره ۱: تحلیل محتوای احادیث

واکنش پیامبر نسبت به این تذکر		واکنش نمازگزاران					اصل ماجرا				روایت			
تعلیل این اتفاق = N	بیان حکم خالصی در نماز = M	اصلاح نماز = L	چگونگی پذیرش این تذکر = K	سؤال در این باره = H	واکنش آنها به انکار پیامبر = G	چستی سؤال = F	کیستی تذکر دهنده = E	رفتار مردم بعد از نماز = D	رفتار پیامبر بعد از نماز = C	اشکال نماز = B	نوع نماز = A	راوی	منبع	شماره
		۲L	۱K			۵F	۱E	۵D		۲B	۱A	امام علی	مسند زید	۱
		۱L/۲L	۲K	۱H	۱G	۲F	۲E	۵D		۱B	۲A	ابوهریره	موطأ	۲
		۱L/۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۶A	"	"	۳
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E/۱E ۵E/	۵D		۱B	۴A	ابوبکرین سلیمان	"	۴
		۲L								۳B		ابن مسعود	المدونة الکبری	۵
		۱L/۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۲A	ابوهریره	الام	۶
		۴L								۶B		عمران	"	۷
		۲L	۱K			۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	ابن مسعود	"	۸
		۱L/۵L	۴K	۶H		۴F	۶E/۴E	۶D	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۹
		۱L/۳L	۲K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۶A	ابوهریره و ابن عمر	"	۱۰
		۱L/۳L	۲K	۱H		۲F	۲E	۵D		۲B	۶A	عمران	"	۱۱
		۱L/۲L	۲K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۲A	ابوهریره	"	۱۲
		۱L/۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۲A	"	اختلاف الحديث	۱۳
		۱L/۵L	۴K	۶H		۲F	۶E/۴E	۶D	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۱۴
۲N	۲M	۲L	۲K				۱۰E	۵D		۵B		ابن مسعود	مسند طیالسی	۱۵
		۲L								۳B	۱A	"	"	۱۶
		۱L/۵L	۴K	۱H		۴F	۷E	۵D		۲B	۴A	عمران	"	۱۷
		۱L/۲L	۳K	۱H	۱G	۲F	۱۰E	۵D		۱B	۶A	ابوهریره	"	۱۸
		۱L/۲L	۱K			۴F	۱۰E	۵D		۱B	۱A	"	"	۱۹



		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E/۱E ۵E/	۵D		۱B	۴A	"	مصنف صناعی	۲۰
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E/۱E	۵D		۱B	۴A	ابوسلمه وابویکرین سلیمان	"	۲۱
		۱L ۳L	۲K	۲H		۴F	۱۰E	۵D		۱B	۶A	عطاء	"	۲۲
		۹L	۴K	۲H		۲F	۸E/۲E	۵D	۲C	۱B	۲A	عبیدبن عمیر	"	۲۳
		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E	۵D		۷B		طاروس	"	۲۴
		۱L ۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۵D		۱B	۶A	"	"	۲۵
		۱L ۲L	۴K	۱H		۴F	۲E/۱E	۱D ۵D		۱B	۴A	ابوهریره	"	۲۶
		۱L ۲L	۲K	۱H	۱G	۲F	۲E	۵D		۱B	۲A	"	"	۲۷
	۳M	۳L								۳B	۴A	ابن مسعود	"	۲۸
		۱L ۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۳C	۱B	۳A	ابوهریره	مسند حمیدی	۲۹
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	ابن مسعود	مسند ابن جعد	۳۰
۲N	۲M	۲L	۱K				۱۰E	۵D		۵B		"	"	۳۱
		۱L	۲K			۲F	۱E	۵D		۱B	۷A	ابوهریره	"	۳۲
۲N	۶M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D	۱C	۵B		ابن مسعود	مصنف ابن ابی- شیبه	۳۳
		۱L ۵L	۴K	۶H			۶E	D6	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۳۴
		۱L ۲L	۴K	۶H			۶E	۶D	۲C	۲B	۲A	انس و حسن	"	۳۵
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E/۱E	۵D	۱C	۱B	۶A	ابوهریره	"	۳۶
		۱L ۲L	۴K	۲H ۳H		۱F	۱۰E	۵D		۲B		عکرمه	"	۳۷
		۱L ۵L	۲K			۴F	۲E			۱B	۶A	ابن عمر	"	۳۸
		۱L ۲L	۴K	۱H		۴F	۲E/۱E	۵D	۲C	۱B	۲A	عکرمه	"	۳۹
۲N	۲M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D	۱C	۵B		ابن مسعود	"	۴۰
		۲L	۱K				۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۴۱
		۱L ۶L	۱K			۴F	۶E	۵D	۱C	۲B	۲A	عمران	"	۴۲
		۱L ۵L								۶B		"	"	۴۳
		۱L ۲L	۱K			۴F	۱۰E	۵D		۱B	۱A	ابوهریره	"	۴۴

		۲L	۱K			۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	ابن مسعود	مسند ابن جنبل	۴۵
		۲L								۵B		"	"	۴۶
εN	۵M	۲L	εK	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	"	۴۷
	۳M	۲L								۳B	εA	"	"	۴۸
۲N	۲M	۲L	۱K				۱۰E	۵D	۱C		εA	"	"	۴۹
		۲L	εK	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۵۰
		۲L	۱K			۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۵۱
		۱L ۲L	۳K	۱H		۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۳C	۱B	εA	ابوهریره	"	۵۲
		۱L ۲L	εK	۱H		۲F	۲E/۱E	۱D ۳D ۵D	۱C	۱B	εA	"	"	۵۳
		۱L ۲L	۱K			εF	۱۰E	۵D		۱B	۱A	"	"	۵۴
		۵L								۶B		"	"	۵۵
		۱L ۲L	۱K			εF	۱۰E	۵D		۱B	۱A	"	"	۵۶
		۱L	۳K	۱H	۲G	۲F	۸E/۲E	۵D		۱B	۱A	"	"	۵۷
		۱L ۲L	۳K	۱H	۲G	۲F	۸E/۲E	۵D		۱B	۱A	"	"	۵۸
		۱L ۲L	۳K	۱H	۲G	۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۸C	۱B	۳A	"	"	۵۹
		۱L ۶L	۳K	εH		۲F	۲E	۱D ۳D ۵D	۶C	۱B	۲A	مطیر	"	۶۰
		۱L ۳L	۳K	εH		۲F	۲E	۱D ۳D ۵D		۱B	۲A	مطیر	"	۶۱
		۱L ۵L	εK	۱H			۶E	۶D	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۶۲
		۱L ۲L	۱K				۱۰E	۵D		۲B		"	"	۶۳
		۱L ۵L	εK	۱H		εF	۶E	۵D		۲B	εA	"	"	۶۴
		۱L ۲L	۳K	۱H		۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۱C ۳	۱B	εA	ابوهریره	سنن دارمی	۶۵
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E/۱E ۵E/	۵D		۱B	εA	"	"	۶۶
		۲L	۱K				۱۰E	۵D		۳B	۱A	ابن مسعود	"	۶۷

۲N	۲M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	صحیح بخاری	۶۸
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۶۹
		۱L ۲L	۳K	۱H		۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۳C ۱C ۳	۱B	۴A		ابوهریره	۷۰
		۱L ۲L	۱K				۱۰E	۵D		۱B	۱A	"	"	۷۱
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A		ابن مسعود	۷۲
		۱L ۲L	۴K	۱H		۴F	۲E	۵D			۴A		ابوهریره	۷۳
		۱L ۲L	۱K		۳G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۱	۱B	۳A		"	۷۴
		۱L ۲L	۴K		۳G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۲	۱B	۱A		"	۷۵
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A		ابن مسعود	۷۶
۲N	۲M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	صحیح مسلم	۷۷
		۲L	۴K	۲H			۱۰E	۵D		۳B			علقمه	۷۸ ۱
۵N		۵L	۲K	۲H		۵F	۱۰E	۳D ۵D		۳B			ابن مسعود	۷۹
۳N		۳L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B		"	"	۸۰
۴N	۵M	۲L				۵F	۱۰E	۵D		۵B		"	"	۸۱
		۳L										"	"	۸۲
	۴M	۲L	۲K			۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	"	۸۳
		۱L ۲L	۴K	۱H		۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۸C	۱B	۴A		ابوهریره	۸۴
		۱L ۲L	۴K	۱H		۲F	۸E/۲E	۵D	۸C	۱B	۱A		"	۸۵
		۱L ۵L	۴K	۶H			۶E	۶D	۲C	۲B	۲A		عمران	۸۶
		۱L ۶L	۱K	۷H		۴F	۴E	۶D	۲C	۲B	۲A		"	۸۷
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A		سنن ابن ماجه ابن مسعود	۸۸

۱. متن کامل این روایت ذکر نشده، بلکه مؤلف بعد از ذکر روایت قبلی، سند این روایت را ذکر، سپس تنها قسمت متفاوت متن این روایت را آورده است.



۲N	۲M	۵L	۴K				۱۰E	۵D		۵B		"	"	۸۹
		۱L ۳L	۳K	۱H	۳G	۲F	۲E	۵D		۶B		ابن عمر	"	۹۰
		۱L ۵L	۳K	۱H	۳G	۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۴C	۱B	۴A	ابوهریره	"	۹۱
		۱L ۲L	۳K	۱H	۱G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۲	۱B	۴A	"	سنن سجستان- نی	۹۲
		۱L ۲L	۳K	۱H	۱G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۲	۱B	۴A	"	"	۹۳
		۱L ۲L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۱	۱B	۴A	"	"	۹۴
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۲	۱B	۴A	ابوبکرین سلیمان وابوهریره	"	۹۵
		۱L ۲L	۱K			۴F	۱۰E	۵D		۱B	۱A	ابوهریره	"	۹۶
		۱L	۲K		۱G	۲F	۱۰E	۵D		۱B	۷A	"	"	۹۷
		۱L ۲L	۲K		۱G	۲F	۱۰E	۵D		۱B	۷A	"	"	۹۸
		۱L ۳L	۲K		۱G	۲F	۱۰E	۵D		۱B	۷A	"	"	۹۹
		۱L ۳L	۳K	۱H	۱G	۲F	۳E	۱D ۳D ۴D ۵D	۱C ۲	۱B		ابن عمر	"	۱۰ ۰
		۱L ۵L	۴K	۶H		۴F	۶E	۶D	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۱۰ ۱
		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	ابن مسعود	"	۱۰ ۲
۲N	۲M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	"	۱۰ ۳
۱N	۵M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		"	"	۱۰ ۴
۵N		۵L	۲K	۲H		۵F	۱۰E	۳D ۵D		۳B		"	"	۱۰ ۵
		۱۰L	۱K			۳F	۹E	۵D	۵C	۷B		معاویذین حدیج	"	۱۰ ۶

		۴L								۶B		عمران	"	۱۰ ۷
		/۱L ۶L	۳K	۴H		۲F	۲E	/۱D /۳D /۴D ۵D	۶C		۲A	مطیر	الآحاد والمثنائى	۱۰ ۸
		/۱L ۶L	۴K	۵H		۲F	۱E	۵D		۴B	۵A	بی‌سند	الاحکام	۱۰ ۹
		/۱L ۲L	۱K			۴F	۱۰E	۵D		۱B	۱A	ابوهریره	سنن کبرى نسائی	۱۱ ۰
		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E/۱E	۵D		۶B		"	"	۱۱ ۱
		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E/۱E	۵D		۸B		ابویکرین سلیمان و ابوهریره	"	۱۱ ۲
		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E/۱E	۵D		۱B	۴A	"	"	۱۱ ۳
		/۱L ۲L	۳K	۱H		۲F	۲E	/۱D /۳D /۴D ۵D	۱C ۰	۱B	۴A	"	"	۱۱ ۴
		۱L	۳K	۱H	۱G	۲F	۲E/۱E	۵D	۱C	۱B	۶A	"	"	۱۱ ۵
		۶L										"	"	۱۱ ۶
		/۱L ۵L	۴K	۶H		۴F	۶E	۶D	۲C	۲B	۲A	عمران	"	۱۱ ۷
۶N	۷M	۳L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D		۵B		ابن مسعود	"	۱۱ ۸
		۲L	۱K				۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۱۱ ۹
۳N		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۴A	"	"	۱۲ ۰
		/۱L ۶L	۱K				۶E	۵D		۲B		عمران	"	۱۲ ۱
		۸L								۶B		"	"	۱۲ ۲
		۱L	۴K	۱H		۲F	۲E/۱E	۵D	۱C	۱B	۴A	ابوهریره	"	۱۲ ۳
		۷L								۶B		"	"	۱۲ ۴
۶N	۲M					۱F	۱۰E	۵D		۵B		ابن مسعود	"	۱۲ ۵
۲N	۲M	۵L	۴K	۲H		۱F	۱۰E	۵D	۱C		۱A	"	"	۱۲ ۶



		۲L	۴K	۲H		۵F	۱۰E	۵D		۳B	۱A	"	"	۱۲ ۷
۵N		۲L	۲K	۲H		۵F	۱۰E	۳D ۵D		۳B	۱A	"	"	۱۲ ۸
		۱L	۳K	۱H		۲F	۲E	۵D		۸B	۶A	ابوهریره	"	۱۲ ۹
		۲L										"	"	۱۳ ۰
		۵L								۶B		عمران	المحتبی	۱۳ ۱

### ۲-۱-۲. ویژگی‌های تحریرهای حلقه‌های مشترک روایات سهو نبی (ص)

به منظور تعیین تحریرهای حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی این روایات، تمامی تحریرهای منقول از هر یک از CLها به طور مجزا و بر اساس کدهای ارائه شده در جدول تحلیل محتوا بررسی شدند تا بتوان به متن تحریر اصیل آنها دست یافت. هرگاه این بررسی نتیجه‌ای در بر نداشت، تحریر PCLهای بعد از یک CL تعیین شدند و با مقایسه این تحریرهای و توجه به دیگر تحریرهای منقول از CL، یک یا دو تحریر منسوب به CL مشخص شدند. بدین ترتیب ویژگی‌های خاص تحریرهای CLها و PCLها و مسبب یا مسببان تغییرات این تحریرها تعیین شدند. به دلیل تطویل و گستردگی این بررسی‌ها در ادامه تنها مهم‌ترین نتایج این بررسی‌ها آورده می‌شود.

### ۲-۱-۱. حلقه‌های مشترک تحریرهای ابن مسعود و ویژگی‌های متون آنها

همان‌طور که گذشت، ابن مسعود با دو راوی CL است، بررسی و مقایسه تحریرهای وی و تحریرهای راویان وی، علقمه بن قیس و عبدالرحمن بن اسود (م ۹۸-۹۹)، اولین PCLهای بعد از ابن مسعود نتایج ذیل را در بر دارد.

علقمه بن قیس: بیشتر تحریرهای ابن مسعود، یعنی ۳۶ متن و ۵۸ سند، از علقمه روایت شده است. علقمه با دو راوی، ابراهیم نخعی و ابراهیم بن سوید (متوفی نامعلوم)، تنها PCL بلاواسطه بعد از ابن مسعود است. براساس بررسی این تحریرها، تحریر علقمه حداقل بدین شرح است: «صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فَأَخْبَرَنَا بِصَنِيعِهِ... فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَنْسَى كَمَا تَنْسَوْنَ». برخی راویانی که در سند تحریرهای علقمه، حلقه مشترک فرعی هستند، سبب تغییراتی در این تحریرها شدند. در طبقه بعد از علقمه، ابراهیم نخعی عبارت: (هر کس در نماز فراموش کرد، باید دو سجده کند) و ابراهیم بن سوید عبارت: (ایجاد همهمه در مردم به سبب

اشکال در نماز) را به تحریر علقمه، افزوده‌اند. در دو طبقه بعد از علقمه، منصور بن معتمر عبارت: (بعد از ادای سجده سهو فرمودند: اگر حدثی در نماز رخ دهد، خبر می‌دهم، بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم، تذکر می‌دهید) و اعمش عبارت: (قبل از ادای سجده سهو فرمودند: بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم) را بوجود آوردند.

در سه طبقه بعد از علقمه، مسعر بن کدّام عبارت: (هر کس در نمازش شک کرد، اصلاح کند و ۲ سجده بجا آورد) را به روایت افزوده است. در همین طبقه از فضیل بن عیاض ۲ تحریر مشابه نقل شده که یکی از آنها دو عبارت بیشتر از تحریر دیگر دارد، یکی، این عبارت: (هر کس در نماز فراموش کرد، اصلاح و دو سجده سهو کند) که در هیچ تحریر دیگری نیامده، بنابراین، باید در اثر نقل به معنا توسط راوی فضیل و یا نسائی، ناقل این روایت در کتاب‌هایش بوجود آمده است. عبارت دیگر (بعد از ادای سجده سهو فرمودند: اگر حدثی در نماز رخ دهد، خبر می‌دهم، بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم) هم تنها در این تحریر و یک تحریر دیگر (نک: جدول، ح ۱۲۵) به نقل از نسائی آمده، بنابراین، توسط نسائی ایجاد شده است. دیگر PCL این طبقه، جریر بن عبدالحمید با ۵ تحریر است، در یکی از آنها، عبارت: (هر کس در نمازش شک کرد، اصلاح کند و دو سجده بجا آورد) به کد (هر کس در نماز فراموش کرد، اصلاح و دو سجده کند) تبدیل شده، عبارت اخیر، تنها در این تحریر که راوی جریر، ابن‌ابی شیبه در مصنف است، آمده، در نتیجه، توسط ابن‌ابی شیبه و بر اثر نقل به معنا ایجاد شده است.

**عبدالرحمان بن اسود:** از عبدالرحمان بن اسود، دیگر PCL بلاواسطه بعد از ابن مسعود، ۵ تحریر نقل شده، با مقایسه آنها و بر اساس مشترکات آنها، تحریر وی حداقل بدین شرح است: (صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ أَوْ الْعَصْرَ حَمْسًا. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرِيدُ فِي الصَّلَاةِ...؟ فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ). دو PCL بعد از عبدالرحمان سبب تغییراتی در این تحریر شدند: سفیان ثوری (م ۱۶۱) عبارت «فَقَالَ (پیامبر): هَذِهِ السَّجْدَتَانِ لِمَنْ ظَنَّ مِنْكُمْ أَنَّهُ زَادَ أَوْ نَقَصَ» و ابوبکر نهشلی (م ۱۶۶) عبارت (قبل از ادای سجده سهو فرمودند: بشری‌ام که مثل شما فراموش می‌کنم و متذکر می‌شوم) را، بدان افزوده‌اند.

**نتیجه:** مقایسه تحریرهای علقمه و عبدالرحمن بن اسود، دو PCL بلاواسطه بعد از ابن مسعود، بیانگر تفاوت زیاد آنها است و بر اساس آنها نمی‌توان تحریر ابن مسعود را تعیین کرد. بنابراین، سه احتمال مطرح می‌شود: ۱. ابن مسعود این روایت را نقل نکرده، بلکه علقمه و عبدالرحمان، هر کدام خود روایتی ساخته‌اند و به ابن مسعود نسبت دادند. ۲. ابن مسعود هر دو



تحریر را نقل کرده و هر یک از آنها (علقمه و عبدالرحمان) یکی از آن تحریرها را شنیده و یا هر دو را شنیدند اما فقط یکی را نقل کردند. ۳. یکی از آنها (علقمه یا عبدالرحمان) به راستی روایت را از ابن مسعود شنیده و نقل کرده اما دیگری به دروغ روایت را به ابن مسعود نسبت داده است.

### ۲-۲-۱-۲. حلقه‌های مشترک تحریرهای عمران بن حصین و ویژگی‌های متون آنها

در تحریرهای عمران بن حصین، خالد حذاء CL است. براساس مشترکات تحریرهای PCL های بعد از وی، تحریر خالد حذاء چنین است: «سَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَلَاثِ رَكَعَاتٍ مِنَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَامَ فَدَخَلَ الْحُجْرَةَ، فَقَامَ الْحُزْبَائِيُّ، فَنَادَى: أَقْصِرْتُ الصَّلَاةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلَ فَيَا هُوَ كَمَا قَالَ. فَصَلَّى تِلْكَ الرَّكْعَةَ الَّتِي كَانَ تَرَكَ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ ثُمَّ سَلَّمَ».

در طبقه شاگردان خالد، شعبه بن حجاج، راوی ۲ تحریر است که تنها تفاوت آنها، این است که در یکی فرد تذکردهنده به پیامبر، خرباق و در دیگری ابن خرباق است (نک: جدول، ح ۱۷ و ۶۴)، با توجه به این که، ابن خرباق تنها در این تحریر در مصنف ابن ابی شیبیه آمده، بر اثر خطای ابن ابی شیبیه بوجود آمده و در اصل همان خرباق بوده است. در تحریرهای دو PCL دیگر این طبقه، یزید بن زریع و عبدالوهاب بن عبدالحمید، عبارت: (خروج خشمگینانه پیامبر از حجره در حالی که ردائش بر زمین کشیده می‌شد، سپس سؤال از مردم درباره درستی خبر تذکر دهنده) ذکر شده، از آنجا که این عبارت در تحریر دو PCL از چهار PCL، شاگردان خالد آمده، سه احتمال مطرح می‌شود: ۱. خالد روایت را به دو شکل نقل کرده است. ۲. در تحریر خالد این عبارت بوده اما فقط ۲ تن از شاگردان وی آن را نقل کردند. ۳. یزید بن زریع یا عبدالوهاب این عبارت را به روایت افزوده و یکی از آنها از دیگری تقلید کرده است.

در دو طبقه بعد از خالد حذاء، اشعث بن عبدالملک PCL است، که با واسطه ابن سیرین، ۴ تحریر مختصر از خالد نقل کرده، که تقریباً چنین است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِهِمْ فَسَهَا، فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ تَشَهَّدَ، ثُمَّ سَلَّمَ». با توجه به تفاوت بسیار اشعث با سایر تحریرهای منقول از خالد، اشعث و یا ابن سیرین، مروی عنه اشعث مسئول این تغییرات است.

### ۲-۲-۱-۳. حلقه‌های مشترک تحریرهای ابوهریره و ویژگی‌های متون آنها



همان‌طور که گذشت، ابوهریره ۱۰ راوی دارد. با بررسی و مقایسه تحریرهای وی و PCL‌های بعد از وی می‌توان گفت، تحریر ابوهریره حداقل بدین شرح است: «صَلَّى بِنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ/العَصْرَ، فَسَلَّمَ مِنْ رَكَعَتَيْنِ، فَقَالَ لَهُ ذُوَالْيَدَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْصُرْتَ الصَّلَاةَ، أَمْ نَسِيتَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَمْ تَقْصُرْ الصَّلَاةَ، وَلَمْ أَنْسَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَصَدَقَ ذُوَالْيَدَيْنِ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: فَقَامَ، فَصَلَّى بِحِمِّ رَكَعَتَيْنِ آخِرَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ».

برخی از حلقه‌های مشترک فرعی بعد از ابوهریره، تغییراتی را در تحریر وی ایجاد کرده‌اند. در طبقه شاگردان ابوهریره: در تحریرهای ابوسلمه (۲۲ متن و ۲۳ سند)، عبارت (ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ)، حذف شده؛ در تحریرهای ابن‌سیرین (۱۸ متن و ۲۹ سند)، سه موضوع: ۱. تکیه زدن پیامبر به ستون مسجد بعد از سلام نماز؛ ۲. خروج سریع مردم از مسجد بعد از نماز و ۳. خودداری کردن ابوبکر و عمر از تذکر اشکال نماز به پیامبر به سبب ترس از ابهت آن حضرت به روایت افزوده شده است.

در دو طبقه بعد: زهری که ۸ متن با ۲۰ سند با واسطه ۵ مروی‌عنه از ابوهریره نقل کرده، در این تحریرها، زهری تذکردهنده به پیامبر را ذوالشمالین نامیده و همانند ابوسلمه، یکی از مروی‌عنه‌هایش، عبارت (ادای دو سجده) را حذف کرده است؛ در تحریرهای یحیی بن ابی‌کثیر (۶ متن و ۷ سند)، تذکردهنده به پیامبر، مردی از بنی‌سلیم دانسته شده و در تحریرهای عبدالله بن عون (۶ تحریر)، تذکردهنده به پیامبر، مرد دراز دستی که پیامبر، وی را ذوالیدین می‌خواند، نامیده شده است؛ ابن‌ابی‌ذئب در تحریرهای خود (۳ تحریر)، برخی جزئیات ماجرا را چون نوع نماز و اسم تذکردهنده را حذف کرده و فقط با ذکر عبارت: (فریضه)، بر واجب بودن نماز تأکید کرده است و در پایان یکی از تحریرهایش، ابن‌ابی‌ذئب می‌گوید که زهری گفته هیچ یک از عالمان مدینه نگفتند: پیامبر (ص) به سبب این موضوع (سهو در نماز) دو سجده کردند.

در ۳ طبقه بعد از ابوهریره، شعبه بن‌حجاج ۸ متن با ۹ سند را نقل کرده، شعبه از سعد بن ابراهیم از ابوسلمه از ابوهریره روایت کرده و ۶ راوی از وی روایت کردند. تحریر وی چنین است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، صَلَّى الظُّهْرَ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ»، قَالُوا: «قَصُرْتَ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: "فَقَامَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ مَا سَلَّمَ».

مقایسه تحریرهای سایر PCL‌های بعد از ابوسلمه، بیانگر تفاوت بسیار تحریر شعبه با تحریرهای آنها است، از آنجا که شعبه، این تحریر را با واسطه سعد بن ابراهیم از ابوسلمه نقل



کرده، و نقل دیگری از سعد وجود ندارد،<sup>۱</sup> تنها می‌توان گفت که یکی از این دو تن، مسئول این تغییرات هستند.

براساس نتایج فوق، بیشترین تغییر در تحریر ابوهریره توسط ابن‌سیرین ایجاد شده، وی آن را بسط داده و مطالب موجود دربارهٔ ابوبکر و عمر، هم‌چنین تکیه دادن یا دست نهادن پیامبر بر ستون چوبی و... را بدان افزوده است. بدین سبب که این افزوده‌ها تنها در تحریرهایی از ابوهریره ذکر شدند که راوی آنها ابن‌سیرین است.

#### ۴-۲-۱-۲. حلقه‌های مشترک تحریرهای عبدالله بن عمر و ویژگی‌های متون آنها

در تحریرهای منقول از ابن‌عمر، ابواسامه حلقه مشترک است. از وی ۴ متن با ۷ سند نقل شده (نک: جدول، ح ۱۰، ۳۸، ۹۰، ۱۰۰)، که یکی از این متون مشترکاً از ابن‌عمر و ابوهریره روایت شده است (ح ۱۰). در این ۴ تحریر، تنها عبارت: (ادای رکعت یا رکعت‌های ترک‌شده) مشترک است. اما در ۳ تحریر از آنها، عبارت‌های مشترک بیشتری آمده، که براساس آنها، تحریر ابواسامه تقریباً چنین است: «صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ ذُو الْيَدَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفْصُرْتُ أَوْ نَسَيْتُ؟... قَالَ: «أَكَمَا يُقُولُ ذُو الْيَدَيْنِ؟» قَالُوا: نَعَمْ. فَتَقَدَّمَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتِي السَّهْوِ».

#### ۵-۲-۱-۲. حلقه مشترک تحریرهای طاووس بن کیسان و ویژگی‌های متن آن

طاووس با دو راوی و نقل ۲ متن و ۳ سند از وی، حلقه مشترک است. بخش مشترک تحریرهای وی چنین است: «صَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمَ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ ذُو الْيَدَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفْصُرْتُ أَوْ نَسَيْتُ؟ قَالَ: «أَكَمَا يُقُولُ ذُو الْيَدَيْنِ؟» قَالُوا: نَعَمْ، فَعَادَ فَصَلَّى مَا بَقِيَ». قابل توجه است که در یکی از این ۲ تحریر، مخاطب از راوی سؤال می‌کند که آیا پیامبر سجده سهو هم کردند؟ و راوی می‌گوید: نمی‌دانم و در تحریر دیگر انجام سجده سهو آمده است.

#### ۶-۲-۱-۲. حلقه مشترک تحریرهای عکرمه و ویژگی‌های متن آن

<sup>۱</sup>. روایات منقول از سعد بن ابراهیم در منابع حدیثی و سیره پیامبر بعد از سه قرن نخست نیز دیده شده، تنها شعبه راوی تحریر مذکور از سعد است.

عکرمه با ۲ راوی و نقل ۲ تحریر این روایت، حلقه مشترک است. تفاوت مهم این ۲ تحریر این است که در یکی تذکردهنده به پیامبر، ذوالشمالین نامیده شده و پیامبر درباره صحت ادعای او از مردم سؤال می‌کنند و در تحریر دیگر تذکردهنده، مردم هستند و پیامبر درباره صحت این موضوع از ذوالیدین که ذوالشمالین هم نامیده می‌شود، سؤال می‌کنند. از آنجا که مفهوم سؤال پیامبر از ذوالیدین درباره صحت ادعای مردم در اشکال نماز، تنها در این تحریر آمده (ح ۳۷) و در تحریر دیگر منقول از عکرمه نیامده، از سوی دیگر هر ۲ تحریر در مصنف ابن‌ابی‌شیبیه آمده‌اند، این تحریر را عکرمه و یا ابن‌ابی‌شیبیه ایجاد نکردند، بلکه یکی از راویان موجود در سند این تحریر بین عکرمه و ابن‌ابی‌شیبیه بوجود آورده است.

### ۲-۱-۲-۷. حلقه مشترک تحریرهای مطیر بن سلیم و ویژگی‌های متن آن

در تحریرهای منسوب به مطیر، معدی بن سلیمان با ۲ راوی، حلقه مشترک است. از معدی، ۳ تحریر بسیار مشابه ذکر شده است (نک: جدول، ح ۶۰، ۶۱، ۱۰۸، ۶۰). مشترکات آنها چنین است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِيَمِّ إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشِيِّ - وَهِيَ الْعَصْرُ - ثُمَّ سَلَّمَ...، فَخَرَجَ سَرْعَانُ النَّاسِ، فَقَالَ: أَقْصُرْتُ الصَّلَاةَ؟ وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَقَالَ ذُو الْيَدَيْنِ: أَقْصُرْتُ الصَّلَاةَ أَمْ نَسِيتَ؟ قَالَ: "مَا قْصُرْتُ الصَّلَاةَ وَلَا نَسِيتُ" ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، فَقَالَ: "مَا يَقُولُ ذُو الْيَدَيْنِ؟" فَقَالَا: صَدَقَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَرَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَثَابَ النَّاسُ، وَصَلَّى بِيَمِّ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتِي السَّهْوِ».

مفهوم (برخاستن پیامبر و بیرون رفتن از مسجد بعد از نماز، در حالی که ابوبکر و عمر به دنبال ایشان بودن)، تنها در ۲ تحریر (ح ۶۰، ۱۰۸) از ۳ تحریر منقول از مطیر آمده، در این ۲ تحریر محمد بن مثنی، PCL است، بنابراین، احتمالاً این کد، افزوده ابن مثنی به روایت است.

### جمع‌بندی و تحلیل

۱. به سبب انتساب دو تحریر مختلف به ابن مسعود، نمی‌توان تحریر اصیل وی را مشخص ساخت، تنها می‌توان فرض کرد که وی، ۲ تحریر مختلف را نقل کرده است. درباره تحریرهای وی دو نکته مهم است: ۱. کد (پنج رکعت خواندن نماز چهار رکعتی = B) تنها در این تحریرها آمده است. ۲. زیرمقوله‌های (بیان حکم = M) و تعلیل این اتفاق در بیان پیامبر (N) هم فقط در این تحریرها آمده است. بنابراین، این کد و زیرمقوله‌ها خاص تحریرهای ابن مسعود هستند.

۲. چندین موضوع، خاص تحریرهای خالد حذاء، حلقه مشترک تحریرهای منقول از عمران بن حصین هستند: ۱. سه رکعت خواندن نماز چهار رکعتی. ۲. در این تحریرها تذکردهنده،



خرباق یا ابن‌خرباق، نام دارد. ۳. فردی با ندا دادن از پشت دیوار به پیامبر درباره اشتباه ایشان در نماز تذکر می‌دهد. کد (خروج خشمگینانه پیامبر از حجره در حالی که ردائش بر زمین کشیده می‌شد، سپس سؤال از مردم درباره درستی خبر تذکر دهنده=<sup>1</sup>H) هم تنها در تحریرهای دو PCL از چهار PCL خالد، یزیدبن‌زریع و عبدالوهاب، آمدند، بنابراین، به احتمال زیاد متعلق به تحریر خالد است و خاص وی است.

۳. کد خودداری ابوبکر و عمر از تذکر اشکال نماز به پیامبر به سبب ترس از ابهت آن حضرت (D<sup>4</sup>)، تنها در تحریرهای ابن‌سیرین، ابوهریره آمده، پس این کد خاص و افزوده ابن‌سیرین است.

۴. تحریرهای منسوب به ابوهریره، ابن‌عمر و طاووس شباهت زیادی با یکدیگر دارند و احتمالاً منبع واحدی دارند. تحریر مطیر هم تا اندازه‌ای مشابه آنها است.

۵. شعبه‌بن‌حجاج راوی و PCL تحریرهای ابن‌مسعود، عمران‌بن‌حصین و ابوهریره است. مقایسه این تحریرها دلالت بر دقت وی در نقل روایات دارد، زیرا وی ۴ تحریر مختلف، ۲ تحریر از ابن‌مسعود، یکی از عمران و تحریری از ابوهریره نقل کرده که هر کدام از آنها ویژگی‌های خاص خود را دارند. نکته دیگر این‌که، تحریرهای منقول از شعبه غالباً تفاوت چندانی ندارند و راویان وی تحریر یکسانی نقل کرده‌اند، از آنجا که وی صاحب مصنف بوده (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۲۹)، بنابراین، به احتمال زیاد شعبه روایات شک در نماز را در نوشتاری گرد آورده بوده و سماع راویان وی از او با استفاده از آن تصنیف بوده است.

ابن‌سیرین راوی تحریرهای عمران‌بن‌حصین و ابوهریره است و دو تحریر مختلف نقل کرده که بیانگر صداقت وی در انتساب آنها به مراجع ادعایی خود است، اما هر ۲ تحریر با تحریر اصیلی که از CLهای آنها، یعنی ابوهریره و خالد حذاء، نقل شده است، تفاوت‌های مهمی دارند. بنابراین، ابن‌سیرین تغییراتی را در روایات و یا حداقل این روایت بوجود آورده است.

## ۲. شرایط اجتماعی - سیاسی جعل و نشر احادیث سهو پیامبر (ص) در نماز

عدم تمرکز انسان بر کاری که مشغول انجام آن است به دلایل مختلف مانند دغدغه‌ها، دل‌مشغولی‌ها، هجوم افکار گوناگون به ذهن، طبیعی و برای همه ملموس است. البته این تمرکز رابطه‌ای مستقیم با اهمیت انجام یک کار برای انسان دارد. این اهمیت خود تابعی از عوامل گوناگون مانند حساس و خطیر بودن آن کار در زندگی مادی و معنوی، خطرناک بودن غفلت و

عدم دقت به دلیل پیامدهای ناگوار و غیره است. وقوع شک در عبادات را می‌توان در همین بستر تحلیل کرد. قطعاً در عبادت‌هایی که هر نوع غفلت و شک پیامدهایی سخت و ماندگار دارد، انسان با تمرکز زیاد تلاش می‌کند که دچار سهو و نسیان نشود. به عنوان نمونه می‌توان به برخی از اعمال در مناسک حج مانند طواف نساء یا روزه اشاره کرد. اما در برخی از عبادت‌ها مانند نمازهای روزانه به دلیل تکرار پنج‌باره آن در روز و عادت کردن انسان بدان احتمال وقوع سهو و نسیان بیشتر است.

بی‌شک یکی از مسائلی که مسلمانان از زمان وجوب نماز، بدان مبتلا شدند، شک در نماز است و مسلماً در این موارد به پیامبر مراجعه و از ایشان پرسش می‌کردند. اگرچه آموزش مناسک و بیان احکام توسط پیامبر هم به صورت عملی<sup>۱</sup> و هم قولی صورت می‌گرفته اما قطعاً منهیات احکام نمی‌تواند به نحو عملی آموزش داده شود که مسئله شک در نماز از آن جمله است. با استناد به نقدهای وارد بر روایات سهو نبی، پیامبر احکام شک در نماز را برای مسلمانان بیان کرده‌اند<sup>۲</sup> و اقوال آن حضرت در بین مسلمانان نقل و به صورت شفاهی و کتبی به نسل‌های بعد منتقل شده است. جاعل یا جاعلان روایات سهو نبی، بر اساس این اقوال داستان‌سرایی و این دسته روایات را جعل کرده‌اند.

انگیزه این گونه جعل‌ها را می‌توان توجیه رفتار کسانی دانست که به عنوان خلیفه پیامبر در مسند قدرت قرار گرفته بودند. مستندات و گزارش‌های تاریخی که در تأیید این ادعا وجود دارد از وقوع چنین ماجراهایی در مورد خلیفه دوم و معاویه به هنگام خلافت و در مقام امام جماعت خبر می‌دهد. درباره عمر آمده است: «صَلَّى غُمُرُ بْنُ الْخَطَّابِ بِأَصْحَابِهِ فَسَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ انصَرَفَ، فُقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنِّي جَهَّزْتُ عَيْرًا مِنَ الْعِرَاقِ بِأَحْمَالِهَا وَأَقْنَانِهَا حَتَّى وَرَدْتُ الْمَدِينَةَ، قَالَ: فَصَلَّى بِحِمِّ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ» عمر بن خطاب به امامت همراهانش نماز خواند و در رکعت دوم نماز چهار رکعتی سلام داد، سپس از قبله منصرف شد. به او گفتند که نماز را دو رکعت خوانده است، عمر گفت: من (در نماز) کاروانی را از عراق با شترها و بارهایش تجهیز کردم تا این که آن را وارد مدینه کردم. سپس

۱. برخی از احکام را پیامبر به صورت عملی به مردم آموختند مانند چگونگی ادای نماز «صلوا كما رأيتوني أصلي» (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۴؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۷۷) و کیفیت مناسک حج «خذوا عني مناسككم» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۵؛ نووی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱).

۲. برای نمونه: «عن ثوبان قال، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لكل سهو سجدة بعد التسليم» (صنعانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۲؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۲۸۰).



نماز را (اعاده کرد و) چهار رکعت خواند (طحاوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۵۰؛ عینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۶۷)؛ نکته قابل توجه در این خبر این است که در حالی که عمر بر اساس روایت سهو نبی عمل نکرده که تنها ۲ رکعت را اداء کند، بلکه نماز را اعاده کرده است، هیچ یک از صحابه با یادآوری روایت سهو نبی بر عمر خرده نگرفتند و یا این که عمر نیز خود توضیحی درباره عملکرد متفاوت خود نسبت به عملکرد پیامبر (ص) در روایت سهو نبی نداده است، بنابراین، احتمالاً عمر و همراهان وی از این روایت بی‌اطلاع بودند.

اخبار متعدد دیگری هم، چون فراموشی قرائت حمد و سوره در نماز به سبب تفکر درباره تجهیز و هدایت قافله‌ای از شام تا مدینه (صنعانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۳۴)؛ فراموشی قرائت حمد و سوره در رکعت اول و ۲ بار خواندن آنها در رکعت دوم (صنعانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۲۳-۱۲۵)؛ تجهیز سپاهیان و محاسبه جزیه بحرین در نماز (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۲، صص ۳۱۳-۳۱۴؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۶۴)؛ فراموشی ادامه نماز و با اشاره راهنمایی خواستن از مأموم (ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۶؛ بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱۰، ص ۳۳۸)؛ امامت نماز در حالت جنابت، سپس انجام غسل و اعاده آن (صنعانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۵۱-۳۴۷) و امامت نماز بی‌وضو و اعاده آن (صنعانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۸)؛ دلالت بر اشکالات متعدد نمازهای عمر دارد.

نمونه اشکالات نماز معاویه: «أَنَّ مُعَاوِيَةَ صَلَّى إِمامَهُمْ، فَقَامَ فِي الصَّلَاةِ وَعَلَيْهِ جُلُوسٌ، فَسَبَّحَ النَّاسُ فَتَمَّ عَلَى قِيَامِهِ، ثُمَّ سَجَدَ بِنَا سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ بَعْدَ أَنْ أَمَّ الصَّلَاةَ ثُمَّ قَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ نَسِيَ شَيْئًا مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيَسْجُدْ مِثْلَ هَاتَيْنِ السَّجْدَتَيْنِ». معاویه به امامت افرادی نماز خواند و در جایی که باید تشهد می‌خواند ایستاد، مردم (بلند) ذکر گفتند (که معاویه متوجه شود)، اما او به نمازش ادامه داد؛ بعد از اتمام نمازش، در حال نشسته دو سجده کرد. سپس بر روی منبر رفت و گفت: از رسول‌الله (ص) شنیدم که فرمود: «هر کس چیزی از نمازش را فراموش کند باید مثل این دو سجده، سجده کند» (ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۰؛ نسائی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۳۳).

قابل توجه است که در این خبر، معاویه حکم سهو در نماز را از پیامبر نقل کرده، اما ارتکاب سهو در نماز را به پیامبر نسبت نداده است و در خبری آمده: «أَنَّ مُعَاوِيَةَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَصَلَّى بِهِنَّ فَلَمْ يَقْرَأْ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَمْ يُكَبِّرْ إِذَا خَفَضَ وَإِذَا رَفَعَ فَنَادَاهُ الْمُهَاجِرُونَ حِينَ سَلَّمَ وَالْأَنْصَارُ أَنْ يَا مُعَاوِيَةُ سَرَقْتَ صَلَاتَكَ أَيْنَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَيْنَ التَّكْبِيرُ إِذَا خَفَضْتَ وَإِذَا رَفَعْتَ فَصَلَّى بِهِنَّ صَلَاةً أُخْرَى» معاویه به مدینه

رفت و آنها (اهل مدینه) به امامت معاویه نماز خواندند، معاویه در نماز بسم الله را نخواند و در هنگام رکوع و سجود، تکبیر را نگفت، وقتی که سلام داد، مهاجرین و انصار فریاد زدند که ای معاویه از نماز دزدیدی، بسم الله و تکبیر هنگام رکوع و سجود کجا رفتند، پس بر آنها نماز دیگری خواند (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۰)؛ هم چنین درباره معاویه نقل شده است که در مسیر صفین، نماز جمعه را در روز چهارشنبه اقامه کرد (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۲) و یک بار زمانی که امام جماعت بود، وضویش باطل شد (صنعانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۶). شایان ذکر است، احتمال دارد یکی از دلایل کم بودن اخبار دال بر اشکالات معاویه در نماز، عدم مرجعیت فقهی وی نزد مسلمانان و در نتیجه، بی اهمیتی کیفیت اعمال عبادی وی بوده باشد.

بررسی تحریرهای مختلف روایت سهو نبی نشان می دهد انگیزه جاعل یا جاعلان این روایت، نقل فضیلتی برای فرد یا افرادی نبوده، بلکه فروکاستن از مقام و منزلت پیامبر برای توجیه عمل و شیوه خلفا بوده است. در این امر هم تا حدی پیش رفته که پیامبر را از نمازگزاران عادی و معمولی هم فروتر ساخته اند، چرا که مردم عادی معمولاً هرگاه در نماز دچار سهو شوند، خود متوجه می شوند. اما بنابر نقل های مختلف این روایت، آن حضرت حتی متوجه سهو خود هم نشده و دیگران به وی تذکر داده اند.

تاریخ گذاری روایات سهو نبی نشان داد که دو تن از صحابه، ابن مسعود و ابوهریره، حلقه مشترک و در نتیجه، راوی این روایت هستند. درباره ابوهریره می توان ادعا کرد که وی جاعل این روایت است زیرا از او، ۱۰ نفر روایت کرده اند که ۳ نفر از آنها هم PCL اند و تباری همه آنها بر کذب بعید است. مهم تر این که، ابوهریره یکی از خدمت گزاران معاویه بوده (ابن قتیبه، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۲۱۷-۲۱۸) که در راستای سیاست های امویان و با هدف تقرب به آنها، جعل حدیث می کرده است (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۴، ص ۶۷؛ ابوری، بی تا، صص ۲۰۲-۲۷۰). بنابراین، به احتمال زیاد او پس از صدور فرمان جعل حدیث در فضیلت خلفا توسط معاویه (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۱، صص ۴۴-۴۵).

با جعل این حدیث اشتباه های نمازهای عمر که متعدد و احتمالاً مشهور بوده را توجیه و بدین ترتیب عمر را و به تبع آن معاویه و سایر بزرگان را تطهیر کرده است. اما درباره ابن مسعود، مسئله متفاوت است و جاعل بودن وی با دلایل ذیل منتفی است:

۱. البته شایان ذکر است که در تحریرهای ابن سیرین-ابوهریره، از ابوبکر و عمر نام برده شده و مقصود جاعل این افزوده که احتمالاً خود ابن سیرین بوده، اهمیت این دو تن و ذکر فضیلتی برای آنها است، اما این انگیزه اولیه جعل این روایت نیست.



۱. ابن‌مسعود در زمان عثمان از دنیا رفت و هرگز در صدد تقرب به عثمان و سایر امویان نبود، بلکه برعکس بخاطر مخالفت با عثمان، تنبیه شد و در اثر آن از دنیا رفت (نک: بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۵، ص ۵۲۵؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۱۶۴).
۲. در زمان حیات وی، هنوز معاویه دستور جعل حدیث در فضیلت خلفا را صادر نکرده بود. بنابراین، وی انگیزه‌ای برای جعل روایت نداشته است.
۳. ابن‌مسعود تنها با داشتن دو راوی **CL** است، علقمه بن قیس و اسود بن یزید، که عمو و برادرزاده هستند و تباری آنها محتمل است.
۴. مهم‌تر این‌که، ابن‌مسعود متهم به جعل روایت نیست، بلکه برخی با هدف خدشه به شخصیت وی، احادیثی را از قول وی جعل کرده‌اند (نک: عسکری، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۶۸۶-۶۹۶). اما از دو راوی ابن‌مسعود، علقمه و اسود، تنها علقمه با داشتن ۲ راوی، **PCL** است. از اسود، فقط پسرش عبدالرحمان روایت کرده که از راویان علقمه هم است (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۵۳۰)، بنابراین، ممکن است عبدالرحمان این روایت را از علقمه اخذ کرده باشد اما به پدرش نسبت داده باشد. گرچه علقمه از یاران امام علی در جنگ صفین بوده، اما بررسی شرح حال، احادیث و آرای فقهی منقول از وی، نشان می‌دهد که او شیعه نبوده است. وی هم از امام علی و هم از سه خلیفه اول روایت نقل کرده (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۰)، هم راوی روایات فضایل امام علی است (نک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۸۸؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۴۷۲) و هم راوی روایات فضایل جعلی در مورد دو خلیفه اول (نک: طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۳، ص ۷۵). حتی در خبری آمده که علقمه، دو خلیفه نخست را افضل می‌دانسته و بر منبر کوفه از قول امام علی نقل کرده است که آن حضرت بهترین فرد بعد از پیامبر را ابوبکر و سپس عمر می‌دانستند (نک: ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۷؛ ابن‌ابی‌عاصم، ۱۴۱۳، ص ۵۵۹؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳۰، ص ۳۷۰). برخی نظرات فقهی علقمه هم مخالف فقه شیعه است، مثلاً: بیان ذکر «آمین» بعد از قرائت سوره حمد در نماز (نک: ابن‌حزم، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴۹)، صحیح دانستن نماز چهار رکعتی‌ای که از روی سهو، پنج رکعت خوانده شده (نک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۵۳)، جایز دانستن احرام بستن در غیرمیقات (نک: حلی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۹۵).

نکته قابل توجه درباره علقمه این است که نام وی جز در اسانید روایات سهو نبی، در اسانید روایات نبوی حکم سهو در نماز هم دیده می‌شود (نک: ابن‌ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۳؛



طبرانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۰). بنابراین، با توجه به این موضوع و اطلاعات مذکور دربارهٔ علقمه، ۲ احتمال مطرح می‌شود: ۱. علقمه روایت سهو نبی را از فرد دیگری اخذ کرده و با اعمال تغییراتی در روایت، آن را به ابن مسعود نسبت داده است. مؤید این احتمال، خبری است که می‌گوید علقمه در حالی که امام جماعت بود، نماز ظهر ۵ رکعت خواند، وقتی نمازگزاران به وی تذکر دادند، سجدهٔ سهو بجای آورد و سپس روایت سهو نبی را از ابن مسعود نقل کرد (مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۸۵). باید اشاره کرد که ۵ رکعت خواندن نماز تنها در تحریرهای منسوب به ابن مسعود آمده است. ۲. علقمه، راوی روایت سهو نبی نیست، بلکه فرد دیگری این روایت را بدو منسوب کرده است. نکتهٔ مهم دیگر این که روایت منقول از علقمه، دو افزودهٔ مهم بیش از دیگر تحریرهای این روایت دارد: بیان حکم (سهو در نماز) = **M** و تعلیل این اتفاق در بیان پیامبر = **N**.

دربارهٔ احتمال دوم نیز ۲ امکان مطرح است: ۱. جاعل تحریر علقمه، روایت سهو نبی را با روایت بیان حکم ترکیب کرده باشد. ۲. حالت عکس، یعنی تقطیع روایت سهو نبی منقول از علقمه و تبدیل آن به روایت بیان حکم سهو. اما با توجه به این که، هیچ یک از دیگر تحریرهای روایت سهو نبی، شامل بیان حکم سهو نیست، احتمال اول قوی تر است. دربارهٔ وجود زیرمقلهٔ (تعلیل حکم سهو) در تحریرهای علقمه هم باید گفت، با استناد به این که، مکان نشر روایت منقول از علقمه کوفه بوده و حضور شیعیان در کوفه و مخالفت روایت سهو نبی با اعتقادات شیعی، می‌توان حدس زد که این زیرمقله برای توجیه صدور سهو از پیامبر، در برابر مخالفت شیعه با این روایت بدان افزوده شده است. انتساب این روایت به حضرت علی، امام صادق و امام کاظم (نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۶۹؛ طوسی، بی تا، ج ۲، صص ۳۴۵-۳۴۷) هم در پاسخ به این مخالفت بوده، زیرا یکی از شگردهای جاعلان حدیث، نقل نظر خود از قول مخالفان‌شان بوده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، صص ۴۱-۷۲).

بر اساس مطالب فوق، اگرچه نمی‌توان علقمه را جاعل حتمی تحریر منسوب به ابن مسعود دانست، اما احتمال جاعل بودن وی زیاد است. به هر حال با توجه به این که، در طبقهٔ بعد از وی ابراهیم نخعی، حداقل با ۴ راوی **PCL** است، می‌توان اطمینان داشت که ابراهیم راوی این روایت بوده و این روایت قبل از وفات ابراهیم، یعنی سال ۹۶، در کوفه رواج داشته است.

دربارهٔ تحریر منقول از عمران بن حصین، گفته شد که **CL** آن خالد حذاء است، از آنجا که خالد راوی تحریر ابوهریره هم است، که متمایز از این تحریر است، بعید به نظر می‌رسد که وی،



جاعل تحریر عمران باشد، زیرا با نقل تحریر ابوهریره که مشهور بوده، انگیزه‌ای برای جعل تحریر دیگری نداشته، بنابراین، احتمالاً وی به‌راستی تحریر عمران را از مروی‌عنه ادعایی خود، یعنی ابوقلابه اخذ کرده است. بر این اساس که ابوقلابه یکی از مخالفان امام علی و از عالمان دربار خلیفه اموی، عمر بن عبدالعزیز و مدتی ساکن شام بوده است (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، صص ۵۴۶-۵۴۷)، وی تمایلات اموی داشته و با توجه به این‌که وی روایات دیگری را از ابوهریره به صورت مرسل نقل کرده (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۵۴۴)، بنابراین، احتمالاً روایت ابوهریره را اخذ کرده و با اعمال تغییراتی در آن، روایت را از قول عمویش ابومهلّب<sup>۱</sup> به عمران بن حصین نسبت داده باشد.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، CL تحریر ابن عمر، ابواسامه است که راوی تحریر ابوهریره نیز هست. با توجه به شباهت تحریرهای ابن عمر و ابوهریره، نقل هر ۲ تحریر از ابواسامه و متهم بودن وی به تدلیس (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۹۵)، احتمالاً ابواسامه تحریر ابوهریره را اخذ کرده و با جعل سندی، آن را به عبدالله بن عمر نسبت داده است. البته این احتمال که وی روایت را واقعاً از مروی‌عنه ادعایی خود، عبیدالله بن عمر (راوی با واسطه عبدالله بن عمر) اخذ کرده باشد، هم منتفی نیست. به هر حال بر اساس این خبر: وقتی روایت سهو نبی از قول ابوهریره برای عبدالله بن عمر نقل شد، وی بیان کرد اسلام آوردن ابوهریره بعد از شهادت ذوالیدین بوده (طحاوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۵۰؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۰)، ابن عمر تلویحاً منکر صحت این روایت شده و بنابراین، خود راوی این روایت نبوده است، بلکه ابواسامه و یا یکی از دو راوی بین او و ابن عمر، نافع و عبیدالله، این تحریر را به ابن عمر نسبت داده‌اند.

دو CL دیگر این روایت، طاووس بن کیسان و معدی بن سلیمان هستند. با توجه به این‌که، ۱. رجالیان طاووس را توثیق کرده و وی را از عابدان و پارسایان شمرده‌اند (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، صص ۳۵۷-۳۷۴)؛ ۲. مشابهت تحریر وی با تحریر ابوهریره و ۳. این‌که وی از راویان ابوهریره بوده، به احتمال زیاد، این روایت را از ابوهریره اخذ کرده و با توجه به شهرت تحریر ابوهریره، ضرورتی برای نام بردن از ابوهریره ندیده، در نتیجه، روایت با سند منقطع از وی نشر یافته است. معدی بن سلیمان، CL تحریرهای منسوب به مطیر بن سلیم، ضعیف و واهی الحدیث است (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۸، ص ۲۵۸) و همان‌طور که پیش‌تر گذشت کد (سؤال از ابوبکر و عمر: آیا

۱. ابومهلّب از راویان ابوهریره نیست (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۳۴، ص ۳۲۹)، بنابراین، ابوقلابه نمی‌توانسته است روایت را از قول او به ابوهریره نسبت دهد.

ذوالیدین راست می‌گوید؟<sup>۱</sup> H=) افزوده‌ی به این روایت است، بنابراین، به احتمالاً وی جاعل این تحریر با استفاده از تحریر ابوهریره است.

بر اساس بررسی‌های فوق، به احتمال زیاد ابوهریره در راستای سیاست‌های اموی روایت سهو نبی را جعل و در مدینه منتشر کرده است. بنابراین، این روایت قبل از سال ۵۹ در مدینه رواج داشته، سپس توسط راویان ابوهریره در بصره و یمن نشر یافته است و نسل بعد روایت را در بیشتر مناطق اسلامی رواج داده‌اند. برخی جاعلان هم این روایت را اخذ کرده و با اعمال تغییراتی در متن آن یا بی‌هیچ تغییری، اما با جعل سند، آن را به مراجع دیگر نسبت داده‌اند و از آنجا که این روایت، بیانگر حکم سهو در نماز است، به صورت گسترده با نقل شفاهی و کتبی منتشر شده است.

### نتایج تحقیق

پژوهش حاضر، به نتایج ذیل دست یافت:

۱- تاریخ‌گذاری روایات سهو پیامبر (ص) در نماز و بررسی شرایط اجتماعی-سیاسی زمان نشر آنها، بیانگر جعل و نشر این روایات به احتمال زیاد توسط ابوهریره در دوران خلافت معاویه و در راستای فضیلت‌سازی برای خلفا با انگیزه تطهیر عمر و معاویه با فروکاستن از شأن پیامبر (ص)، بوده است.

۲- سپس راویان مختلف چون ابن سیرین، علقمه و معدی بن سلیمان در تغییر این روایت یا انتساب آن به مراجع دیگر نقش داشته‌اند.

۳- مهم‌ترین تغییرات این روایت، افزوده شدن نقشی برای ابوبکر و عمر توسط ابن سیرین در تحریرهای منسوب به ابوهریره و سپس معدی بن سلیمان در تحریرهای منسوب به مطیر بن سلیم، به منظور فضیلت‌سازی برای دو خلیفه نخست است.

۴- دیگر تفاوت مهم این روایات، تغییر تعداد رکعت‌های نماز به منظور توجیه اشتباه نماز علقمه و افزایش بیان حکم سهو و تعلیل وقوع سهو از پیامبر با هدف سازگار ساختن آن با محیط کوفه در تحریرهای منسوب به ابن مسعود، توسط علقمه و یا به نام وی است. البته شایان ذکر است، تحلیل و نقد روایات فقهی علقمه بن قیس نیازمند پژوهشی مستقل است.



۵- علت نقل و نشر گسترده این روایات در طول زمان، اشتغال آنها بر حکم فقهی سهو در نماز است که در همه زمان‌ها و جوامع اسلامی بدان احتیاج بوده است، حتی برخی عالمان با وجود حکم به بطلان آن، به سبب بیان حکم سهو در آن، به ذکر آن در کتاب‌های خود پرداخته‌اند.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحدید (بی‌تا)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: داراحیاءالکتب العربیة.
- ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمان (۱۳۷۱ق)، *الجرح والتعديل*، بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
- ابن ابی‌شیبہ، ابوبکر (۴۰۹ق)، *المصنف*، بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی‌عاصم، احمد (۴۱۳ق)، *السنة*، بیروت: المكتبة الإسلامية.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی‌تا)، *المحلی بالآثار*، بیروت: دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، *المسند*، بیروت: دارصادر.
- ابن سعد، محمد (بی‌تا)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارصادر.
- ابن عساکر، علی (۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت: دارالفکر.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۴۱۳ق)، *الامامة و السياسة*، قم: شریف الرضی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا)، *السنن*، بیروت: دارالفکر.
- ابوریة، محمود (بی‌تا)، *شیخ المضیرة ابوهریره*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- اتسلندر، پیتر (۱۳۷۱ش)، *روشهای تجربی تحقیق اجتماعی*، ترجمه: بیژن کاظم‌زاده، تهران: قدس.
- بخاری، إسماعیل بن ابراهیم (۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹م)، *انساب الاشراف*، مصر: دارالمعارف.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۴۰۳ق)، *السنن*، بیروت: دارالفکر.
- جصاص، احمد بن علی (۴۱۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حلی، حسن بن یوسف (۴۱۶ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شرف‌الدین عاملی، سید عبدالحسین (بی‌تا)، *ابوهریره*، قم: مؤسسه انصاریان.
- شافعی، محمد بن ادريس (۴۰۳ق)، *الام*، بیروت: دارالفکر.

شیری، مرجان؛ نیل ساز، نصرت، (۱۴۰۱ش)، «تاریخ‌گذاری روایات آغاز نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص) در جوامع روایی اهل سنت»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره دوم، سال ۱۵، پیاپی ۳۰، صص ۱۴۷-۱۷۷.

- صنعانی، عبدالرزاق (بی تا)، *المصنف*، بیروت: منشورات المجلس العلمی.
- طبرانی، سلیمان (بی تا)، *المعجم الکبیر*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طبری آملی، محمدبن جریر (۱۴۱۵ق)، *المسترشد*، قم: کوشانپور.
- طحاولی، احمدبن محمد (۱۴۱۶ق)، *شرح معانی الآثار*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۵ش)، *الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ص)*، قم: دارالحدیث.
- عجلی، احمدبن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *معرفة الثقات*، مدینه: مکتبه الدار.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۷ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، بیروت: شرکة التوحید.
- عینی، بدرالدین (بی تا)، *عمدة القاری*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوکوان (۱۳۷۳ش)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶ش)، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه: رسول جعفریان و علی قزایی، قم: بی تا.
- مزی، جمال‌الدین (۱۴۰۶ق)، *تهذیب الکمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، قم: دارالهجرة.
- مسلم، حجاج (بی تا)، *الصحیح*، بیروت: دارالفکر.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، *عدم سهو النبی (ص)*، بیروت: دارالمفید.
- موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ش)، «مطالعات حدیثی به کجا می رود؟»، *تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها*، به کوشش علی آقایی، تهران: حکمت.

نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق)، *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.  
 نووی، محیی‌الدین بن شرف (بی‌تا)، *المجموع*، بیروت: دارالفکر.  
 هولستی، آل-آر (۱۳۷۳ش)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Motzki, Harald, (2001), "The Collection of the Quran: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Development", *Der Islam*.

### **Bibliography:**

The Holy Qur'an.

Ibn Abī Al-Ḥadīd 'AḤBH(nd), *Sharḥ Nahju Al-Balāgha Ibn Abī Al-Ḥadīd*. ed: Moḥammad AA. Dār Iḥyā' al-Kutub al-'Arabī, nd.

Ibn Abī Ḥātim 'AR. (1951), *al-Jarḥ wat-ta'adīl*. Beirut: Dār Iḥyā' at-Turāth al-'Arabī.

Ibn Abī Shayba A.(1988), *al-muṣannaḥ*. ed: Al-liḥām S. Beirut: Dār al-Fikr.

Ibn Abī 'Ā'ṣim AB'A. (1992), *as-Sunnah*, ed: Moḥammad Naṣir al-Dīn Albānī, Beirut: Al-maktabat al-Islāmīa.

Ibn Ḥazm 'ABA, *Almaḥālī bi al-Āthār*, ed: Aḥmad Moḥammad Shākīr, Beirut: Dār al-Fikr, nd.

Ibn al-Ḥanbal A, *al-Musnad*, Beirut: Dār Ṣādir, nd.

Ibn Sa'd M, *aT-Ṭabaqāt al-kubrā*. Beirut: Dār Ṣādir; nd.

Ibn 'Asākīr 'Ali, (1994), *Tārīkh Madīnih Damishq*. ed: Shiri A. Beirut: Dār al-Fikr.

Ibn Qutaibah Dīnivarī 'ABM, (1992), *al-Amāmah wa as-Sīāsah*. Ed. 'Ali Shiri. Qum: Intishārāt as-Sharīf Raḍī.

Ibn Mājah MBY, *as-Sunan*, ed. Moḥammad Fu'ād 'Abdu al-Bāqī, Beirut: Dār al-Fikr.

Abū Rayya M. *Shiykh al-Muḍīrah*. Beirut: Mu'assasat al-'alamī li-l-Maṭbū'aāt.

Atslandr, Piter, (1992), *Rawish hay Tajrubī Tahqīq Ijtimā'āi*. Transl. by: Kāzīm Zādih B, Tehrān: Intishārāt Āstān Quds.

Bukhārī ABA, (1980), *aṢ-Ṣaḥīḥ*, Dār al-Fikr.

Balādhurī ABY, (1959), *Ansāb al-Ashrāf*. ed. Humaydu Allāh m. Egypt: Dār al-Ma'ārif.

- Tirmidhī, MB'Ī, (1982), *aS-Sunan* .ed. Muḥammad 'A'A. Beirut: Dār al-Fikr.
- Jašās AB'A, (1994), *Aḥkām al-Qurān* ,Beirut: Dār al-Kutub al-'Almīa.
- Ḥillī ḤBY, (1995), *Tadhkirat al-Fuqahā* ,Qum: Mu'assasat Āl al-Biyt li Iḥyā' at-Turāth.
- Khaṭīb Baghdādī AB'A, (1996), *Tārīkh Baghdād* ,ed: Muṣṭafā 'Abd al-qādir, Beirut: Dār al-Kutub al-'Almīa.
- Sharafu aD-Dīn 'AH. *Abū Huraira* .Qum: Mu'assasat al-A'nṣārīān li-ṭ-Tibā'a wa-n-Nashr; nd.
- Shāfi'ī MBA, (1982), *Alaum* ,Beirut: Dār al-Fikr.
- Shiri, Marjan; Nilsaz, Nosrat, (2022), Dating the Traditions of Prophet's First Revelation in Sunni Collections, *Quran and Hadith Studies* ,vol15, no2, summer.
- Šan'anī 'ARBH, *al-Muṣannaḥ* ,ed: A'zamī HR. Manshūrāt al-majls al-'almī.
- Ṭabarānī SBA. *Almu'ajam al-Kabīr* .ed. Salfī H'AM. Dār Iḥyā' at-Turāth al-'Arabī; nd.
- Ṭabarī Amoli, Mohammad (1994), *Al-Mostarshad* ,Qom: Koshanpor.
- Ṭahāwī ABM, (1995), *Sharḥ Ma'ānī al-Āthār* ,ed: Muhammad Zuhrī Najār, Beirut: Dār al-Kutub al-'Almīa.
- Ṭūsī, MBḤ, *al-Khalāf*, (1986), Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī at-tābi'ah li-Jamā'atu al-Mudarisīn.
- Ṭūsī, MBḤ, *Tahdhīb al-Aḥkām* ,ed: Ḥasan Kharsān, Dār al- Kutub al-Islāmīa. 'Aāmelī, Ja'afar Morteżā, (2006), *Al-Sahih men Sirat Al-nabi Al-'Azam* , Qom: Dār Al-Hadith.
- 'Ajlī, AB'A, (1984), *Ma'rifat al-Thuqāt* ,Madīna: Maktabat ad-Dār.
- 'Askarī Morteżā, (1996), *al-Qurān al-Karīm wa Riwāiāt al-Madrisatayn*, Beirut: Shirkat al-Tuḥīd l-Nashr.
- 'Aynī, Badr ad-Dīn ,*Umdat al-Qārī* ,Beirut: Dār Iḥyā' at-Turāth al-'Arabī.
- Kulaynī MBY, (1984), *Al-Kāfi* ,ed: Ghaffārī 'AA. 4th p. Tehrān: Dār al-Kutub al-Islāmīa; 1362 SH.
- Kīvī R/Kāmpenhūd L, (1994), *Rawish Tahqīq dar 'Aulūm Ijtimā'āi* .Transl. by: Nik Gohar 'AH. 4th p. Tehrān: Farhang Mu'āšir.
- Majlisī, Mohammad Bāqir, (1985), *Mulāthir al-'Akhiār fi Fahm Tahdhīb al-'Akhbār* ,Qom: Maktaba Āiat Allah Mir'ashī.
- Mudarisī Ṭabāṭabāyī H. (2007), *Mīrāth Maktub Shi'a az sih Qarn Nukhustīn Hijrī*, translation: Rasul Ja'farīān/'Alī Qurāyī, Qom.
- Mizzī JD (1985), *Tahdhīb al-Kamāl* .ed. Ma'aruf B'A. Beirut: Mu'assasat ar-Risāla.

- Mas'ūdī Ali, (1983), *Murawaj aDh-Dhahab wa Ma'ādin al-Jūhar*.ed. ' Abd al-Humayd MMD. Beirut: al-Maktabat al-Islāmīa.
- Muslim ibn Ḥajjāj, *aṢ -Ṣaḥīḥ* ,Beirut: Dār al-Fikr; nd.
- Mufīd MBMBN, (1993), *Adam Sahw an-Nabī*,Beirut: Dār al-Mufīd;
- Motzki Harald (2015), 'Muṭālī'āt Hadīthī bih Kujā Mī rawad ,'*Tārīkh gudhārī Hadīth; Rawish hā wa Nimunih hā*. ed. Āqāyī 'A. Tehrān: Ḥikmat.
- Motzki,Harald, (2001),“The Collection of the Quran:A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodologocal Development”,*Der Islam*.
- Nasā'ī, ABSH, (1929), *aS-Sunan al-Kubrā*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Nawawī, MDBSH, *Almajmu'* ,Beirut: Dār al-Fikr.
- Hūlistī UĀ, (1994), *Tahlīl Muḥtawā dar 'Aulūm Ijtimā'āī wa Insānī* .Transl. by: Sālār zādih Amīrī N. Tehrān:Intishārāt Dānishgāh 'Allāmih Tabātabāyī.